

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



انتشارات انقلاب اسلامی



جاذبه‌ی حسینی

گزیده‌ی بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

درباره‌ی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و اربعین حسینی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

شابک: ۹۷۸-۶۶۲-۷۴۹۱-۶۶-۱

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان شهید صالحی، شماره‌ی ۲۶

مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۴۸۳۹۷۵ و ۰۲۱۶۶۴۹۳۵۴۸

فروشگاه قم: ۰۲۵۳۷۷۰۲۸۵۲ فروشگاه مشهد: ۰۵۱۳۲۲۸۱۲۲۵-۷

تارنما: www.KhameneiBook.ir

پست الکترونیکی: Info@Book_khamenei.ir

سامانه‌ی پیام کوتاه: ۱۰۰۰ ۲۰ ۱۲۰



ویرایش این کتاب بر اساس قواعد ویراستاری

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) انجام شده است.



سرشناسه: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور: جاذبه‌ی حسینی

گزیده‌ی بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی): درباره‌ی زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) و اربعین حسینی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۶۲-۷۴۹۱-۶۶-۱

موضوع: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - پیام‌ها و سخنرانی‌ها.

موضوع: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دیدگاه درباره‌ی عاشورا.

موضوع: حسین بن علی (علیه‌السلام)، امام سزّم، ۴ - ۶۱ق - اربعین

موضوع: زینب (سلام‌الله‌علیها) بنت علی (علیه‌السلام)، ۶ - ۶۲ق.

رده‌بندی کنگره: ۱۴۰۱ ۱۲۲۰/ع۲/۱۶۹۲ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۰۴۷۳۳۵



جاذبه‌های حسین

گزیده‌ی بیانات حضرت آیت‌الله‌عظمی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی در باره‌ی حضرت زینب کبری‌ا (علیها‌السلام) و العین حسینی





صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ



مُقَدِّمَةٌ

مجموعه‌ی حاضر، رهنمودهای ارزشمند حضرت آیت‌الله‌العظمی‌ خامنه‌ای علیه‌السلام درباره‌ی «حضرت زینب کبری علیها‌السلام» و «اربعین» می‌باشد که از کتاب مرجع امام حسین علیه‌السلام تحت عنوان «آفتاب در مصاف» استخراج گردیده است و با تیتربندی مطالب در اختیار مخاطبان محترم قرار می‌گیرد.

با عنایت به اینکه ایام پایانی ماه صفر در لسان مقام عظمای ولایت به عنوان روزهای حضرت زینب کبری علیها‌السلام معرفی گردیده و از سوی دیگر این ایام، مزین به مناسبت اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام است که به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، آغاز دلربایی حسینی و پایه‌گذاری احیاء یاد کربلا و نهضت عاشورا است، در این مجموعه سعی شده است مطالب مرتبط با هر دو موضوع، تدوین و به زینت طبع آراسته گردد. ناگفته پیداست که بخش معظمی از محتوای این دو موضوع ارتباط مفهومی صریح و کاملی با یکدیگر دارند، بنابراین جمع و ارائه‌ی آنها در یک مجموعه حائز اولویّت بوده است.

کتاب حاضر در سه فصل «حضرت زینب کبری علیها‌السلام»، «اربعین» و «شرح فرازهایی از زیارت اربعین» و با شیوه‌ی سیر تاریخی تدوین گردیده است. توضیح اینکه در هر فصل، سخنرانی‌های مرتبط با موضوع به

ترتیب تاریخ بیانات و با حذف مطالب غیر مرتبط احتمالی و همچنین با درج تیترهای مبین شاکله‌ی کلی بیانات ارائه گردیده‌اند. امید آنکه اثر حاضر موجبات بهره‌مندی هر چه بیشتر و بهتر پیروان ولایت را از رهنمودهای آن مقام شامخ فراهم آورد. در پایان، از مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی حدیث لوح و قلم که در تألیف این اثر کوشیده‌اند، تشکر و قدردانی مینماییم.

انتشارات انقلاب اسلامی



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

فهرست

مقدمه ۵

فصل اول: حضرت زینب علیها السلام

- آگاهی حضرت زینب کبری از جوشش خون امام حسین علیه السلام ۱۵
- حماسه‌ی حضرت زینب علیها السلام در حادثه‌ی عاشورا ۱۶
- کلام حضرت زینب علیها السلام درباره‌ی آینده‌ی کربلا ۱۷
- عظمت‌های وداع امام حسین و زینب کبری علیها السلام ۱۸
- عظمت شخصیت حضرت زینب کبری ۲۱
- موقعیت‌شناسی و تکلیف‌محوری زینب کبری علیها السلام ۲۷
- زینب کبری علیها السلام؛ الگوی زنان عالم ۲۸
- تحمل شجاعانه‌ی بار امانت ۳۰
- پاسداری زینب کبری علیها السلام از اسلام ۳۱
- زینب کبری علیها السلام؛ الگوی همیشگی ۳۲
- زینب کبری علیها السلام؛ بنیان‌گذار بنای حفظ حوادث با هنر ۳۴
- حفظ یاد عاشورا با تلاش امام سجاد و زینب کبری علیها السلام ۳۵
- دهه‌ی آخر صفر؛ دهه‌ی زینب کبری علیها السلام ۳۶

- ۴۰ زینب علیها السلام؛ عامل پیروزی خون بر شمشیر
- ۴۱ عظمت خطبه‌ی تاریخی حضرت زینب علیها السلام
- ۴۳ عظمت زینب کبری علیها السلام
- ۴۴ حماسه‌ی حضرت زینب علیها السلام؛ عدل حماسه‌ی عاشورا
- ۴۴ زینب کبری علیها السلام؛ مجسمه‌ی عزت و مایه‌ی سربلندی اسلام
- ۴۶ لزوم حرکت در جهت حرکت زینبی
- ۴۶ صدق؛ مولد روحیه‌ی زینبی
- ۴۷ نقش حضرت زینب علیها السلام در ماندگاری حادثه‌ی عاشورا
- ۴۸ حضرت زینب علیها السلام؛ زنده‌نگه‌دارنده‌ی عاشورا
- ۴۹ تکمیل عاشورا با رهبری امام سجّاد و زینب کبری علیها السلام
- ۵۰ زوال‌ناپذیری عاشورا ...
- ۵۱ زینب کبری علیها السلام؛ بانوی برجسته‌ی تاریخ بشریت
- ۵۲ حرکت زینب کبری و امام سجّاد علیهم السلام، قیامی به معنای واقعی کلمه
- ۵۳ ظرفیت روحی و خردمندی ...
- ۵۴ توصیف‌ناپذیری صبر حضرت زینب علیها السلام
- ۵۵ خردمندی شگفت‌آور حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت
- ۵۶ جهاد تبیین، درس زینبی

❖ فصل دوم: اربعین ❖

- ۶۱ اربعین؛ پایه‌گذاری سنت زیارت و احیاء یاد کربلا
- ۶۳ انقلاب اسلامی؛ تجربه‌ی دوباره‌ی پیروزی خون بر شمشیر
- ۶۵ اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا
- ۶۷ اربعین؛ پایه‌گذاری یاد نهضت حسینی
- ۷۰ ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهداء علیه السلام
- ۷۲ گسترده‌ی روزافزون زیارت کربلا

- ۷۴ اربعین؛ اولین جوشش چشمه‌های محبت حسینی
- ۷۵ اربعین؛ شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی
- ۷۸ اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا
- ۷۸ سکوت مرگ‌بار؛ نتیجه‌ی اختناق یزیدی پس از عاشورا
- ۷۹ اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق
- ۸۱ وظیفه‌ی همگانی در زنده نگه داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار
- ۸۲ حرکت عظیم اربعین عامل وحدت ملت‌های مسلمان
- ۸۴ راه‌پیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی
- ۸۵ زیارت اربعین از علائم ایمان و کنگره‌ای جهانی برای شیعیان
- ۸۶ اربعین میعادگاهی برای یادآوری عاشورا
- ۸۷ پیاده‌روی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ی اربعین، ترکیبی از عشق و ایمان
- ۸۸ مغتنم شمردن فرصت زیارت اربعین
- ۸۸ لزوم رعایت قوانین کشور توسط زائران اربعین
- ۹۰ لزوم حفظ شور و شوق حرکت عظیم اربعین
- ۹۱ مشهود بودن دست قدرت خدا، در پدیده‌ی عظیم پیاده‌روی اربعین
- ۹۲ غبطه به حال زوّار اربعین و تشکر از مردم عراق
- ۹۲ راه‌های شکرگزاری بابت راه‌پیمایی اربعین
- ۹۳ ادامه دادن حرکت اربعین؛ عامل آشکار شدن حقیقت آن
- ۹۴ راه‌پیمایی اربعین، متعلق به سلایق گوناگون
- ۹۵ نمود داشتن عشق و معرفت به امام حسین علیه السلام
- ۹۶ حرکت عظیم اربعین نمادی از حضور پیروان و علاقه‌مندان
- ۹۷ راه‌پیمایی عظیم اربعین، پدیده‌ای الهی و غیر قابل تفسیر
- ۹۷ پدیده‌ی عظیم اربعین، نشانه‌ی آمادگی عمومی
- ۹۸ تشکر از دولت، ملت، مسئولان و نیروهای مردمی عراق
- ۹۹ حماسه‌ی اربعین، پاسخی به نهایت نیاز دنیای اسلام
- ۱۰۰ شوکت پیاده‌روی اربعین به برکت خون شهدا و مدافعان حرم

- تبریک به زائران اربعین و تشکر از ملت، دولت و ... ۱۰۱
- اربعین، پدیده‌ای توصیف‌ناپذیر، بی‌نظیر و غیر قابل تحلیل ۱۰۱
- لزوم پرداختن به مسئله‌ی اربعین در سریالها ۱۰۳
- پیاده‌روی اربعین؛ موهبتی الهی ۱۰۴
- لزوم تبعیت از دستورات ستاد ملی کرونا در بحث زیارت اربعین ۱۰۵
- تشکر از موکب داران اربعین و ملت، دولت، علما و مراجع عراق ۱۰۶
- قدردانی از نعمت الهی خدمت به مهمانان امام حسین علیه السلام ۱۰۶
- نقش راه‌پیمایی بی‌نظیر اربعین در گسترش معرفت ۱۰۷
- حرکت عظیم اربعین؛ پیام آور منطق امام حسین علیه السلام ۱۰۷
- اربعین؛ آیت عظمای الهی و نشانه‌ی اراده‌ی خداوند ۱۰۷
- لزوم استفاده از ظرفیت مراسم اربعین برای ایجاد تمدن اسلامی ۱۰۸
- لزوم تقویت پیوند همه‌ی مسلمانان با یکدیگر در راه‌پیمایی اربعین ۱۰۹
- قدردانی از زحمات مردم عراق در پذیرایی از زائران اربعین ۱۱۰
- راه‌پیمایی اربعین؛ قوت اسلام و جبهه‌ی مقاومت اسلامی ۱۱۱
- اربعین؛ رسانه‌ی پر قدرت عاشورا ۱۱۱
- لزوم عمق‌بخشی بیشتر به رسانه‌ی بی‌همتای اربعین ۱۱۲
- اهمیت و آثار فاصله‌ی زمانی عاشورا تا اربعین ۱۱۳
- عظمت اربعین در گرو جهاد تبیین حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام ۱۱۳

❖ فصل سوم: شرح زیارت اربعین ❖

- هدف و فلسفه‌ی قیام ۱۱۷
- شرح بخشی از زیارت اربعین ۱۱۹
- خلاصه‌ی نهضت حسینی ۱۲۰
- نتیجه‌ی قیام؛ حکومت یا شهادت ۱۲۳
- درخشش روزافزون اباعبدالله علیه السلام ۱۲۴

۱۲۵	جهل و زبونی؛ ریشه‌ی مشکلات امروز بشریت
۱۲۷	معنویت، عزّت و عبودیت مطلق در قیام حسینی
۱۲۸	ثمره‌ی زنده نگه داشتن پیام عاشورا
۱۲۹	فلسفه‌ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	کتابنامه



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

فَصَلِّ لِرَبِّكَ

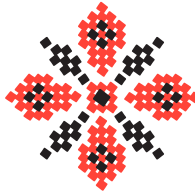
عَلَيْهَا سَلَامٌ

حَضْرَتِ زَيْنَبِ

عَلَيْهَا سَلَامٌ



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



❖ آگاهی حضرت زینب کبری از جوشش خون امام حسین علیه السلام

زینب کبری علیها السلام وقتی بدن پاره پاره شده‌ی برادر را در آن قبله‌گاه عشق و محبت و فداکاری و مجاهدت، بر روی زمین افتاده دید، دستها را زیر بدن برد و سر را به طرف آسمان بلند کرد و فریاد زد: «بارالها! این قربانی را از ما قبول کن.»^۱

او میدانست خاطره‌ی آن خون جوشنده، سیلاب شهادت و فداکاری را در طول تاریخ، در سرزمین دل انسانهای مسلمان به راه خواهد افکند، و افکند. از روز دهم محرم - عاشورا - این موج خروشان همچنان در طول تاریخ ادامه داشته است.

بر اثر خون شهیدان، قدرتهای طاغوتی بسیاری سرنگون شد. قدرت طاغوتی بنی امیه و قدرتهای بسیاری از بنی عباس، با تکان شدید این طوفان بنیان افکن ستم، بکلی نابود و ویران شد. حکومتهای بسیاری در سرزمینهای اسلامی پدید آمد و اسلام ماند و تشیع به عنوان رگه‌ی پُرتپش و هیجان‌آفرین اسلام باقی ماند.

هر چه حکومتهای طاغوتی در توان داشتند، کوشیدند؛ اما از صد سال پیش تا امروز، از روزگار سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا حسن شیرازی - آن علمای بزرگ دین - تا روزگار علمای بزرگی که جنبش مشروطیت را پی ریختند، و تا روزگار میرزا کوچک خان جنگلی - آن

۱. مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۲۲

روحانی بزرگوار، آن چریک اسلامی و آن بنیان‌گذار جنبش مسلحانه در ایران - و تا روزگار سیدحسن مدرّس و شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام، و تا نهضت ملی و تالاله‌زار خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، همه جا نبض خون حسین علیه السلام بود که میتپید و قلب شهیدان بود که میزد و پیکر عظیم جامعه‌ی اسلامی را به حرکت و تلاش درمی‌آورد.^۱

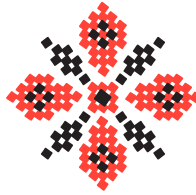
♦ حماسه‌ی حضرت زینب علیها السلام در حادثه‌ی عاشورا

در عاشورای حسین علیه السلام، بعد از آنکه جوانان بنی‌هاشم همه با اجساد قلم‌قلم شده روی زمین افتادند، بعد از آنکه زینب علیها السلام خواهر حسین علیه السلام و آینه‌ی حسین علیه السلام، همه‌ی این داغها و دردها را برای خدا تحمّل کرد، در آن آخرین لحظات به گودال قتلگاه آمد، پیکر مجروح و زخم‌خورده و پاره‌پاره‌شده‌ی حسینش را پیدا کرد، دست زیر بدن حسین علیه السلام برد، بدن حسین علیه السلام را به خدا عرضه کرد و گفت: «خدایا! این قربانی را از ما قبول کن.»^{۲ و ۳}

۱. بیانات در ۱۳۵۹/۱/۱۰

۲. مقتل الحسین، مقّم، ص ۳۲۲

۳. بیانات در ۱۳۵۹/۶/۱۷



❖ کلام حضرت زینب علیها السلام درباره‌ی آینده‌ی کربلا

همان طور که زینب کبری علیها السلام عصر عاشورا و شب یازدهم، میان آن همه شدت و محنت، دست و پای خودش را گم نکرد و مأیوس نشد، ما هم امروز مأیوس نیستیم و نباید باشیم.

همان عصر عاشورا - بنا به نقل بعضی از روایات - زینب علیها السلام به برادرزاده‌ی خودش علی بن الحسین علیه السلام گفت: ای برادرزاده‌ی من! اوضاع این گونه نمیماند؛ این قبرها آباد خواهد شد، این پرچم برافراشته خواهد شد، مردم و ملت‌ها و نسل‌ها، گروه‌گروه می‌آیند و از اینجا درس میگیرند و برمیگردند.^۱ اینجا مدرس آزادی خواهان عالم خواهد شد، و شد. آن روز این امید، آینده را نشان میداد.^۲

۱. کامل الزیارات، ص ۴۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۲

۲. در دیدار جمع کثیری از خانواده‌های شهدای تهران و حومه ۱۳۶۳/۸/۲۲

♦ عظمت‌های وداع امام حسین و زینب کبری (ع) ♦

لحظات وداع حسین بن علی (ع) با زینب کبری (ع) است؛ یعنی خواهر و برادری که این قدر با هم مأنوس بودند، این قدر به هم محبت داشتند، حالا از هم جدا می‌شدند. واقعاً این لحظه‌ها را انسان دقت بکند، می‌بیند چقدر با عظمت است. منهای جنبه‌های گریه‌آور و تأثرانگیز، دقت در جنبه‌های روانی این ماجرا، انسان را دچار حقارت می‌کند؛ آدم احساس می‌کند در مقابل آن همه عظمت، ما چه هستیم؟ آن عظمت‌ها را ببینید. این خواهر و برادری که این قدر به هم محبت دارند؛ طبیعی هم هست. خانواده‌ای با دو تا برادر، یکی دو تا خواهر، دردهایشان با هم، رنج‌هایشان با هم، شادی‌هایشان با هم، فقدان پیغمبر (ع) را با هم درک کردند؛ ناراحتی از دست دادن مادر را با هم کشیدند؛ پدر را با هم از دست دادند؛ حالا از آن جد و آن مادر و آن پدر و آن برادران، برای زینب (ع) فقط یک ابا عبدالله (ع) - یک برادر - مانده است.

طبیعی است همه‌ی محبت‌هایی که به پیغمبر (ع) و به امیرالمؤمنین (ع) و به مادر و به آن برادر داشت، در این برادر متمرکز بشود. طبیعی است که زینب (ع) و امام حسین (ع) که بازماندگان آن خانواده‌ی کوچک پرماجرا و پررنج دوران تاریخ اسلامند، محبت‌هایشان در هم خلاصه شود؛ یعنی آن قدر همدیگر را دوست بدارند که این همه دوستی از یک خواهر و برادر، معمول نیست. لذا زینب کبری (ع) بلند شد با سیدالشهدا (ع) آمد. میشد نیاید، میشد در این سفر برادر را همراهی نکند، میشد وقتی می‌آید، بچه‌ها و فرزندان خردسال خودش را نیاورد؛ اما آورد. یعنی به هیچ رو زینب (ع) نمیتواند کاری بکند که اندکی او را از حسین (ع) جدا کند.

بعد هم به این سفر آمدند. البته سفر خطرناکی بود. از اول هم که حرکت می‌کردند، از کلمات امام حسین (ع) معلوم بود سفر خطرناکی است. اما وقتی انسان مرگ عزیزش را می‌بیند، جسد او را هم می‌بیند،

میخواهد باور نکند این مرده است. چنانچه عزیز انسان معجروح است، در جبهه است، در تهدید است، انسان میخواهد هر طور ممکن است، به خودش بقبولاند عزیزش را از دست نخواهد داد. با اینکه آخر سفر دیده میشود، سفر سختی بود، اما زینب کبری علیها السلام میخواست به خودش بقبولاند که حسین عزیزش را از دست نخواهد داد. در مثل شب عاشورا زینب کبری علیها السلام شنید امام حسین علیه السلام در خیمه‌ی خودش در حالی که مشغول اصلاح شمشیرش هست، آن اشعار سوزناک را میخواند:

«یا دهر أفٍ لک من خلیلٍ
کم لک فی الإشراق و الأصيل»

یعنی ای روزگار! چه بد دوست و محبوبی هستی تو. با اینکه تو را همه دوست میدارند، اما دوست بدی هستی؛ أف بر تو. چقدر شب و روز گذراندی و بعدها که ما نیستیم، چقدر شب و روز خواهی گذراند؛ چقدر بی وفا هستی. این اشعار را امام حسین علیه السلام داشت زمزمه میکرد و وصف الحال میخواند. وقتی زینب کبری علیها السلام شنید و فهمید مسئله جدی است و حسین عزیزش احتمالاً در همین نزدیکی‌ها و زودی‌ها از دستش می‌رود، در نوشته‌ها و نقلهای مقاتل آمده است آن چنان صیحه‌ای زد و آن چنان حالش دگرگون شد که امام حسین علیه السلام مجبور شد خودش را برساند و او را محافظت کند. آن وقت زینب کبری علیها السلام در آن لحظه گفت:

«ألیوم ماتت أمی فاطمة
و أبی علیٌّ و أخی الحسن»^۱

حسین عزیز من! امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن را از دست دادم. یعنی الان همه چیز برای من دارد تمام میشود که میفهمم

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۹۳-۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲-۱. الکامل، ج ۴، ص ۵۸-۵۹ (با کمی اختلاف)

تو را از دست خواهم داد. ببینید این چه محبتی است. با یک چنین محبتی و این اندازه سختی جدایی از برادر در آن لحظه‌ی وداع،^۱ زینب کبری علیها السلام با آن شرایط تهدیدآمیز میبیند برادرش آمده از او خداحافظی میکند برای اینکه به میدان برود و دیگر برنگردد.

یک طرف، این محبت‌ها و احساس غربت و تنهایی در نبودن آن عزیز، یک طرف، مسئولیت سنگینی که زینب کبری علیها السلام بر دوش خواهد گرفت. تا حالا به برادر متکی بود، اما حالا که امامش را از دست میدهد و برادر از سرش سایه برمیچیند، تمام این مسئولیت‌ها به عهده‌ی او است و او است که باید این کاروان را هدایت و رهبری کند.

می‌بینید چقدر لحظه‌ی حساسی است. در چنین لحظه‌ای، معلوم است زینب کبری علیها السلام چه حالی و چه خصوصیتی خواهد داشت. اگر دقت کنیم، اگر تأمل کنیم، این لحظات حساس برای ما درسهای بسیار بزرگی خواهد بود... من میخواهم بگویم ما در تمام لحظات این انقلاب، قبل و بعد از پیروزی، باید در تمام لحظات، یاد امام حسین علیه السلام را برای تسلا و درس در ذهن و دل خودمان داشته باشیم؛ همچنان که در گذشته داشتیم. حسین بن علی علیه السلام، آن روز آن مجاهدت و شهادت بزرگ را برای بر پا کردن همین نظام اسلامی انجام داد و ما امروز به برکت خون شهیدان تاریخ، از صدر اسلام تا امروز و شهدای زمان خودمان، توانستیم این نظام قرآنی را سر پا کنیم. باید تلاش کنیم، باید جانهایمان را سرمایه‌ی این حرکت عظیم قرار بدهیم. امروز بحمدالله به برکت همین مجاهدتها، نظام اسلامی میتواند افتخار کند و ادعا کند که دنباله‌رو حسین بن علی علیه السلام است. ما همیشه روضه میخواندیم، گریه میکردیم، سینه میزدیم، نوحه میخواندیم و یاد امام حسین علیه السلام را گرامی میداشتیم؛

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۷؛ جلاء العیون، ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۷

اما ملت ما و امت ما هیچ وقت مثل امروز نمیتوانسته ادعا کند شیعه‌ی امام حسین علیه السلام است. امروز روح عاشورا در سراپای ملت ما وجود دارد.^۱

♦ عظمت شخصیت حضرت زینب کبری علیها السلام ♦

شما زینب کبری علیها السلام را در نظر بگیرید؛ واقعاً ابعاد شخصیت حضرت زینب علیها السلام را نمیشود در چند جمله ترسیم کرد؛ حتی حکایت آن در جملات فراوان، در شعرهای طولانی ممکن نیست. کسی باید آن شرایط را ببیند، لمس کند، اوضاع و احوال جامعه را هم بداند؛ کاری را هم که زینب علیها السلام کرد، درک کند تا بفهمد زینب علیها السلام چقدر عظمت داشته است. از دور و با زبان و با اشاره و با این حرفها حق زینب کبری علیها السلام اداشدنی نیست. حالا شما اوج شخصیت یک زن را ببینید؛ زنی است که میداند این جمع برای یک جهاد بی فرجام میرود - بدون یک فرجام دنیایی و ظاهری - در عین حال با اینها حرکت میکند، یعنی از خطر استقبال میکند. در این سفر هر چه هست، خطر و دشواری است. علاوه بر خطر و دشواری، یک چیز مهم تر هست که از زحمتهای شخصی خیلی بیشتر است، و آن عبارت است از مسئولیت.

زینب علیها السلام میداند اگر برادرش حسین بن علی علیه السلام را از میان این جمع بردارند، دیگر کسی نیست شایسته‌ی رهبری و سرپرستی و اداره‌ی این جمع باشد؛ جمعی که یک سرنوشت بسیار تلخ و دشوار و پیچیده‌ای در انتظار آن است. در عین حال دل به دریا میزند و نه مثل یک زن برجسته، که مثل یک مرد سرآمد با ظرفیت علوی، مثل امیرالمؤمنین علیه السلام، مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله، مثل خود امام حسین علیه السلام، در این حد ظرفیت نشان میدهد و وارد این میدان بسیار پیچیده و دشوار میشود. بعد در تمام مراحل، نقش یک حکیم شجاع قدرتمند پرجذبه‌ی قاطع را تا آخر ایفا

۱. در جمع هیئت عزاداران پالایشگاه تهران ۱۳۶۴/۷/۴

می‌کند؛ گویی برنامه‌ای را در ذهنش از پیش طراحی کرده و قدم به قدم طبق این برنامه حرکت می‌کند؛ با حوادث، غافلگیرانه مواجه نمی‌شود. گویی از پیش، همه‌ی حوادث را پیش‌بینی کرده، دیده، برنامه‌ریزی کرده، میدانسته^۱ و برای هر حادثه‌ای پاسخش را و عمل مناسبش را در دست داشته و طبق آن هم عمل می‌کرده است. مثلاً شب عاشورا، صبح عاشورا، عصر عاشورا، شب یازدهم، هنگام آتش گرفتن خیمه‌ها، هنگام خروج از کربلا با گروهی زن و بچه‌ی بی‌سرپرست و یک برادرزاده‌ی بیمار ناتوان از نشستن و ایستادن؛ در چنین شرایطی و در تمام این حالات، این گونه بود.

یکی از این تجربه‌هایی که زینب علیها السلام در یک شبانه‌روز برایش پیش آمد، اگر در زندگی یک انسان پیش بیاید و انسان بتواند بموقع تصمیم بگیرد و بجا و درست عمل کند، جا دارد که آن را لوح افتخار کنند و در تاریخ ثبت کنند. چند حادثه‌ی مهم در زندگی این زن بزرگ در مدت کوتاهی پیش می‌آید و همه‌ی اینها را آن چنان حکیمانه و قوی علاج می‌کند و با آن برخورد می‌کند که انسان متعجب می‌شود.

شما ببینید آدم وقتی غمی دارد، کار روزمره‌ی خودش را هم نمیتواند انجام بدهد. آدم وقتی نگرانی دارد، مشکلی دارد، کوهی روی دل انسان نشسته؛ همین نماز را هم که میخواهد بخواند، نشاط ندارد؛ با دوستش، با رفیقش، در مجلس انس اگر شرکت بکند، نشاط ندارد، حال ندارد و نمیتواند کاری انجام بدهد. آن وقت یک انسانی با آن همه آندوه، با کوه‌های سنگین غم، با دیدن آن شهادتها، آن سختی‌ها، فرزندانش شهید شدند، برادرهایش شهید شدند، جوانها شهید شدند، خانواده‌شان زیر و رو شده،^۲ آن حادثه‌ی تلخ برایشان پیش آمده، در همه‌ی دنیا چشمی

۱. کامل‌الزیارات، ص ۴۴۴-۴۴۸؛ بحارالأنوار، ج ۲۸، ص ۵۵-۶۱.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ الإستیعاب، ج ۱، ص ۳۹۶؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۶۲-۶۳.

نگران و گریان آنها نیست؛ چنین غم بزرگ، چنین حادثه‌ی سنگین و کوبنده که انسانهای بزرگ را در هم میپیچد، آن وقت ده‌ها حادثه‌ی آن چنان سنگین و تلخ برای یک زن پیش می‌آید و او نه فقط خرد نمیشود، ناتوان از تصمیم‌گیری نمیشود، بلکه به بهترین وجه، اوضاع و احوال را اداره میکند و این کشتی را که در تلاطم امواج، تگه‌تگه شده، خرد شده، با کمال قدرت و مهارت هدایت میکند، حفظ میکند، کنترل میکند و به سرمنزل میرساند؛ این عظمت زینب علیها السلام است.

شما با مادر شهید امروز قیاس نکنید. مادر شهید عزیزانش را در راه خدا داده، اما میلیون‌ها انسان، میلیون‌ها چشم، با تحسین به او نگاه میکنند و جامعه او را در اوج افتخار می‌نشانند. وضعیّت زینب کبری علیها السلام این گونه نبود. یک نفر در سرتاسر این جامعه نبود که جرئت داشته باشد به او بگوید آفرین، مرحبا، بارک‌الله، دستتان درد نکند، سرتان سلامت باشد.

در چنین دنیای سختی، همان قدر که شهادت حسین علیه السلام ممتاز بود و با همه‌ی شهادتها از صدر اسلام تا امروز فرق داشت و هیچ روزی، نه زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله، نه زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، نه زمان ما، با روز عاشورا قابل مقایسه نیست، حرکت زینب علیها السلام هم همان قدر عظمت داشت.

عظمت زینب علیها السلام فقط صبر او نیست؛ عظمت زینب علیها السلام در جمع شدن تمام خصوصیات برجسته‌ی یک انسان بزرگ و شخصیت‌های عظیم تاریخ در این زن است که در این چند روز از روزهای آخر دهه‌ی محرم تا برگشتن به مدینه که بار را تحویل داد و مسئولیت او تمام شد - در این یکی دو ماه -^۱ عظیم‌ترین حوادث را با بهترین و حکیمانه‌ترین وجهی اداره کرده است؛ او یک انسان ممتاز است.

شما بین رهبران عالم، بین این شخصیت‌های بزرگ تاریخ، بین زنان

۱. اقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴-۳۳۵

بزرگ تاریخ، چه کسی را پیدا میکنید که این قدر عظمت از خود نشان داده باشد؟

حالا من میخواهم نتیجه بگیرم. این زینب کبری علیها السلام است که بیان من خیلی کمتر از این است که بتواند آن چهره‌ی والا و عظیم الشان و منور و فرشته‌صفت را ترسیم کند. حالا این زن محصول چیست؟ مخصوص چه زمانی است؟ این را توجه کنید. این حوادث، شصت سال بعد از هجرت اتفاق افتاده است؛ شصت هفتاد سال بعد از ظهور اسلام.

ظهور اسلام هم زمان است با آن دورانی که زن در نهایت انحطاط و بدبختی، فساد و ذلت و ناتوانی غوطه‌ور بوده است؛ نه فقط در منطقه‌ی عرب‌نشین، در همه جا؛ در ایران هم همین طور بوده است، در روم هم این گونه بوده است؛ دو امپراتوری بزرگ دنیا، دو جامعه‌ی متمدن آن روز. بالاترین مقامی که زن در این جوامع داشته، این بوده که یک کالای لوکس و یک عروسک زیبا برای قدرتمندان جامعه باشد. این، آن سطح بالا و اوج پرواز زن بوده است. حالا آن زنی که کنیز میشد، آن زنی که زنده‌به‌گور میشد، آن زنی که در خانواده و بستگان، عنصری زیادی به شمار می‌آمد که هیچ؛ آن زنی که بالا میرفت و اوج میگرفت و در بالاترین حد یک زن در دنیای آن روز قرار میگرفت، زنی بود که برای جمالش یا یک ظرافتی یا یک هنری، مطبوع طبع و منظور نظر یک آدم قدرتمند پول‌داری، یک سلطانی، یک امپراتوری قرار میگرفت. او این زن را از عمق ذلت بالا میکشید. همان طور که یک عروسک زیبا را که هیچ ارزشی هم ندارد، یک جسم بی‌جان است، وقتی زیبا است، با پول گزافی می‌خرند، می‌آورند سر طاقچه می‌نشانند، همین طور این زن را می‌آورد در صدر هم می‌نشانند. البته همان خانم گاهی دستور میداد، وزیر مجبور بود به حرف او گوش فرابدهد؛ اما این از شخصیت آن خانم نبود؛ برای شخصیت مردی بود که این زن منظور نظر او قرار گرفته

بود؛ اما دانش، بینش، اخلاق، اوج معنویت، تحوّل درونی، شخصیت انسانی والا، ابد! از آن چنان جامعه‌ای، در میان آن چنان وضعی، تحوّل اسلامی، زنی مثل زینب علیها السلام را پدید آورد و امروز همان معجزه را اسلام میتواند انجام بدهد.

امروز دنیای موجود، البته با جاهلیت زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله تفاوت‌های زیادی دارد؛ هیچ حرفی در این نیست. امروز زنان بزرگ، متفکر، اندیشمند، عالم، بااخلاق و خوب در دنیا زیادند؛ در این حرفی نیست؛ اما نگاه فرهنگ و تمدن رایج دنیا به زن، آن نگاه نیست. شما بروید از بافرهنگ‌ترین انسانهایی که در محیط‌های غربی زندگی میکنند، بپرسید؛ ببینید از کدام بیشتر خوشش می‌آید؟ از آن زن عالم فاضل مخترع مکتشف توانا برای اختراع یک معجزه‌ی علمی، اما بی هیچ‌یک از جدّایتهای زن غربی‌پسند؛ یا یک خانم بی سواد بی فرهنگ، اما دارای آن جدّایتها؛ یک ستاره؟ ببینید کدام را در وجدان خودش ترجیح میدهد؟ این حقیقت تلخی است که امروز دنیا به آن دچار است. زن در فرهنگ غربی، قیمت واقعی خودش را ندارد؛ برای زن، خودنمایی و جلوه‌گری زیبایی‌فروشی، یک شرط حتمی شخصیتی است.

آنهايي که به حجاب و به جدایی مرز معاشرت زن و مرد بشدت اعتراض میکنند، یکی از مهم‌ترین حرفهایشان این است که شما زن را محدود میکنید؛ نمیگذارید زیبایی‌های خودش را در معرض دید افراد قرار بدهد. زن، زیبا است؛ میخواهد زیبایی خودش را نشان بدهد؛ میخواهد جاذبه‌های خودش را در منظر دید افراد بگذارد. این یک حرف پذیرفته شده در دنیا است که باید زن جاذبه‌های خودش را در دید مردان بگذارد. این معنایش چیست؟ آیا این نیست که در ذات آن فرهنگ اروپایی، همان برداشت قدیمی و باستانی تمدن رومی از زن، مستتر است و وجود دارد؟ زن هنوز همان است؛ اسلام اینجا راه پیدا نکرده است.

در دیدگاه فرهنگ غربی، با همه‌ی این هیاهویی که راه می‌اندازند

و با همه‌ی این بوق و طبلی که برای زن و حقوق زن زدند و میزنند، وقتی به اعماق بینش آنها مراجعه میکنید، می‌بینید در عمق وجدان و احساس خودشان، زن را یک وسیله‌ی التذادی برای مرد میخواهند؛ نه زن را برای همسر خودش، جنس زن را برای جنس مرد. این بزرگ‌ترین اهان‌ت به زن است.

میان این منج‌لاب فساد فرهنگی، زن مسلمان میتواند سر بکشد؛ میتواند حضور خود و حقیقت خود و هویت زن اسلامی خود را برای همه آشکار کند. امروز ما میتوانیم امیدوار باشیم همچنان که یک روز اسلام توانست در چنان فضای فرهنگی فاسد و غلطی زنی مثل زینب علیها السلام را به وجود آورد، که الگو و نمونه‌ی یک انسان بزرگ است - و نه فقط یک زن برجسته - امروز هم تعالیم اسلام و فرهنگ اسلامی میان این جنجال غوغاگرانه‌ی جوسازانه‌ی غرب، نمونه‌ی یک زن مسلمان کامل و بزرگ را میتواند به وجود بیاورد؛ و ما به این احتیاج داریم. امروز دنیا احتیاج دارد به اینکه زن مسلمان، هویت و حقیقت فرهنگی خودش را نشان بدهد.^۱

۱. در دیدار عده‌ای از پرستاران و گروه‌هایی از خواهران به مناسبت روز پرستار ۱۳۶۵/۱۰/۱۵



❖ موقعیت‌شناسی و تکلیف‌محوری زینب کبری (ع)

ولادت حضرت زینب کبری (ع) ایجاب میکند ما دایره‌ی بحث را بخصوص در شرایط کنونی بشریت وسیع‌تر قرار بدهیم. زینب کبری (ع) یک زن است، یک زن بزرگ! عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد از چیست؟ نمیشود گفت به خاطر این است که دختر علی بن ابی طالب است یا خواهر حسین بن علی و حسن بن علی (ع) است. نسبت‌ها هرگز نمیتوانند یک چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما دخترهایی داشتند، مادرهایی داشتند، خواهرهایی داشتند؛ کو یک نفر مثل زینب کبری (ع)؟ ارزش و عظمت زینب کبری (ع) به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، او را این جور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری را بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین (ع) هم نباشد، عظمت پیدا میکند؛ بخش عمده‌ی این عظمت از اینجا است. اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (ع) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث گذشته‌ی بعد از شهادت امام حسین (ع) را، و طبق هر موقعیتی یک انتخاب کرد. این انتخابها زینب (ع) را ساخت.

قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره‌های نامدار صدر اسلام که ادعای فقاہت و شہامت و ریاست

و آفازادگی داشتند، گیج شدند، نفهمیدند چه کار باید بکنند. زینب کبری علیها السلام گیج نشد، فهمید که باید این راه را برود که امام خود را تنها نگذارد؛ و رفت.^۱ نه اینکه نمیفهمید راه سختی است؛ او بهتر از دیگران حس میکرد. او یک زن بود، زنی که از شوهرش و از خانواده‌اش جدا میشود برای مأموریت و به همین دلیل هم بود که بچه‌های خردسال خود و نوباوگان خود را هم با خود برد.^۲ حس میکرد که حادثه چگونه است. در آن ساعت‌های بحرانی که قوی‌ترین انسانها نمیتوانند بفهمند که چه باید کرد، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را تجهیز کرد برای شهید شدن.^۳ بعد از شهادت حسین بن علی علیه السلام هم که دنیا ظلمانی شد، دلها و جانها و آفاق عالم تاریک شد، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب علیها السلام به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت یعنی پیغمبران میتوانند به آنجا برسند....

♦ زینب کبری علیها السلام: الگوی زنان عالم ♦

زن امروز دنیا الگو میخواهد. اگر الگوی او زینب علیها السلام باشد و فاطمه‌ی زهرا باشد، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها، انتخاب بهترین کارها - ولو با فداکاری همراه باشد - و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که بر دوش انسانها خدا گذاشته است... زینب علیها السلام الگو است. زینب علیها السلام، زنی نبود که از علم و معرفت بی بهره باشد؛ بالاترین علمها و برترین و صافی‌ترین معرفتها در دست او بود.^۴ همان سکینه‌ی کبرایی که شما اسمش را شنیده‌اید در

۱. الأخبار الطوال، ص ۲۲۸؛ زینب الکبری، النقدی، ص ۸۸

۲. العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲۶؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶

۳. معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۴-۲۵

۴. مقاتل الطالبیین، ص ۹۵؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱؛ زینب الکبری، النقدی، ص ۳۴؛

بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۹۳

کربلا - دختر امام - و برادرزاده و شاگرد زینب علیها السلام است - کسانی که اهل کتابند نگاه کنند - در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز یکی از مشعلهای معرفت عربی است.^۱ کسانی که حتی زینب علیها السلام را و پدر زینب علیها السلام را و پدر سکینه علیها السلام را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف میکنند که سکینه علیها السلام یک مشعل معرفت و دانش است. این راه را رفتن به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست؛ اینها و رای آنها است.^۲



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

۱. المنتظم، ج ۷، ص ۱۷۵؛ الأعلام، ج ۳، ص ۱۰۶
۲. در دیدار جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲



❖ تحمّل شجاعانه‌ی بار امانت

من امروز می‌خواهم از روی مقتل «ابن طاووس» که کتاب «لهوف» است، یک چند جمله ذکر مصیبت کنم و چند صحنه از این صحنه‌های عظیم را برای شما عزیزان بخوانم... یکی از این قضایا، قضیه‌ی به میدان رفتن قاسم بن الحسن علیه السلام است که صحنه‌ی بسیار عجیبی است... یک منظره‌ی دیگر، منظره‌ی میدان رفتن علی اکبر علیه السلام است که یکی از آن مناظر بسیار پُرماجرا و عجیب است... اینها منظره‌های عجیب این ماجرای عظیم است، و امروز هم که روز جناب زینب کبری علیها السلام است؛ آن بزرگوار هم ماجراهای عجیبی دارد. حضرت زینب علیها السلام، آن کسی است که از لحظه‌ی شهادت امام حسین علیه السلام، این بار امانت را بر دوش گرفت و شجاعانه و با کمال اقتدار، آن چنان که شایسته‌ی دختر امیرالمؤمنین علیه السلام است، در این راه حرکت کرد. اینها توانستند اسلام را جاودانه کنند و دین مردم را حفظ نمایند. ماجرای امام حسین علیه السلام، نجات بخشی یک ملت نبود، نجات بخشی یک امت نبود؛ نجات بخشی یک تاریخ بود. امام حسین علیه السلام، خواهرش زینب علیها السلام و اصحاب و دوستانش با این حرکت، تاریخ را نجات دادند.^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۲/۱۸



❖ پاسداری زینب کبری علیها السلام از اسلام

تلاش حضرت زینب علیها السلام فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست^۱ و پرستاری^۲ کرده است. حضرت زینب علیها السلام از روح کلی اسلام و جامعه‌ی آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجا است. حضرت زینب علیها السلام در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی‌انصافی، حیوان‌صفتی و قساوت، یک‌تنه ایستاد و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که می‌گوییم امام حسین علیه السلام اسلام را حفظ کرد، می‌توانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب علیها السلام هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است.^۳

-
۱. المنتظم، ج ۵، ص ۳۴۱؛ معالی السیطین، ج ۲، ص ۸۳
 ۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸؛ روضة الواعظین، ص ۱۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱
 ۳. در دیدار پرستاران، در آستانه‌ی سالروز میلاد فرخنده‌ی حضرت زینب علیها السلام ۱۳۸۰/۵/۳



❖ زینب کبری علیها السلام: الگوی همیشگی

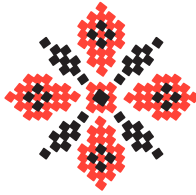
این روزها به مناسبت سالروز ولادت حضرت زینب کبری علیها السلام، متعلق به شخصیت این بانوی برجسته‌ی اسلام است، که الگوی همیشه زنده‌ای در مقابل زن مسلمان و مرد مسلمان قرار میدهد... البته شخصیت زینب کبری علیها السلام منحصر در بُعد غمگساری و پرستاری آن بزرگوار نیست. زینب کبری علیها السلام یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است. زینب کبری علیها السلام دارای شخصیت چندبُعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هر کس با آن بزرگوار مواجه میشود، در مقابل عظمتِ دانایی و روحی و معرفت او احساس خضوع میکند. شاید مهم‌ترین بُعدی که شخصیت زن اسلامی میتواند آن را در مقابل چشم همه قرار دهد - تأثیری که از اسلام پذیرفته - این بُعد است. شخصیت زن اسلامی به برکت ایمان و دل سپردن به رحمت و عظمت الهی، آن چنان سعه و عظمتی پیدا میکند که حوادث بزرگ در مقابل او، حقیر و ناچیز میشود. در زندگی زینب کبری علیها السلام، این بُعد از همه بارزتر و برجسته‌تر است. حادثه‌ای مثل روز عاشورا نمیتواند زینب کبری علیها السلام را خُرد کند. شکوه و حشمت ظاهری دستگاه ستمگر جباری مثل یزید و عبدالله بن زیاد نمیتواند زینب کبری علیها السلام را تحقیر کند. زینب کبری علیها السلام در مدینه - که محل استقرار شخصیت با عظمت او است -

و در کربلا - که کانون محنتهای او است - و در کاخ جبّارانی مثل یزید و عبیدالله بن زیاد، همان عظمت و شکوه معنوی را با خود حفظ میکند و شخصیت‌های دیگر در مقابل او تحقیر میشوند. یزید و عبیدالله بن زیاد - این مغروران ستمگر زمان خود - در مقابل این زن اسیر و دست بسته، تحقیر میشوند.

زینب کبری علیها السلام، شور عاطفه‌ی زنانه را همراه کرده است با عظمت و استقرار و متانت قلب یک انسان مؤمن، و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل الله، و زلال معرفتی که از زبان و دل او بیرون می‌تراود و شنوندگان و حاضران را مبهوت میکند. عظمت زنانه‌اش، بزرگان دروغین ظاهری را در مقابل او حقیر و کوچک میکند. عظمت زنانه، یعنی این؛ یعنی مخلوطی از شور و عاطفه‌ی انسانی، که در هیچ مردی نمیتوان این عاطفه‌ی شورانگیز را سراغ داد؛ همراه با متانت شخصیت و استواری روح که همه‌ی حوادث بزرگ و خطیر را در خود هضم میکند و روی آتشی‌های گداخته، شجاعانه قدم می‌گذارد و عبور میکند؛ در عین حال، درس میدهد و مردم را آگاهی میبخشد؛ در عین حال، امام زمان خود - یعنی امام سجاد علیه السلام - را مانند یک مادر مهربان آرامش و تسلاً میبخشد؛^۱ در عین حال، با کودکان برادر و بچه‌های پدر ازدست داده‌ی آن حادثه‌ی عظیم، در میان آن طوفان شدید، مثل سدّ مستحکمی برای آنها امنیت و آرامش و تسلاً ایجاد میکند. بنابراین، زینب کبری علیها السلام یک شخصیت همه‌جانبه بود. اسلام، زن را به این طرف سوق میدهد.^۲

۱. کامل الزیارات، ص ۴۴۴-۴۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۵۵-۶۱

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۳/۲۵



❖ زینب کبری علیها السلام: بنیان‌گذار بنای حفظ حوادث با هنر

به نظر من بنیان‌گذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری علیها السلام است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب علیها السلام نمیبود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه‌ی اهل بیت علیهم السلام - حضرت سجاد علیه السلام و دیگران - نمیبودند، حادثه‌ی عاشورا در تاریخ نمیماند. بله، سنت الهی این است که این گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه‌ی سنت‌های الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ، این است که اصحاب سر، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقائق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند... بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کما اینکه خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام در شهر کوفه^۱ و شهر شام^۲ از لحاظ زیبایی و جدّابیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ کس نمیتواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می‌شنود، مثل تیر بُرنده و تیغ تیزی، خواهی‌نخواهی این بیان کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب علیها السلام و امام

۱. الفتح، ج ۵، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹-۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴-۱۶۶

۲. بلاغات النساء، ص ۲۰-۲۳؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۴-۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵،

سجّاد علیه السلام در خطبه‌ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام،^۱ این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را میکنید.^۲

✦ حفظ یاد عاشورا با تلاش امام سجّاد و زینب کبری علیهما السلام

خاطره‌ی مجاهدت آزادمنشانه‌ی هوشیارانه‌ی مردم آذربایجان از حافظه‌ی ملت ایران پاک نخواهد شد. ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ یکی از این خاطره‌ها است... اگر برای جوانهای عزیز که آن روز را ندیدند، بخواهیم در دو جمله مسئله را تصویر کنیم، مسئله این است که حرکتی در مواجهه‌ی با رژیم غدار، از یک نقطه، یعنی از حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مردم قم سر بلند کرد؛ رژیم بی‌باک و غدار و متکی به آمریکا بشدّت آن را سرکوب کرد؛ نفسها در سینه‌ها حبس شد. همه خیال کردند قضیه تمام شد. آن نقطه‌ای که نگذاشت این قضیه به اینجا ختم شود و یک حادثه را تبدیل به یک جریان و یک فرایند کرد، عبارت بود از تبریز و آذربایجان؛ یعنی مردم غیور و شجاع و باهوش تبریز، یک حادثه را تبدیل کردند به یک جریان؛ نگذاشتند این حادثه در قم دفن شود. اگر بخواهیم تشبیه کنیم به حوادث صدر اسلام، مثل کار جناب زین العابدین علیه السلام و زینب کبری علیهما السلام در حفظ حادثه‌ی عاشورا و نگذاشتن و مانع شدن از اینکه این حادثه در صحرای کربلا دفن شود و فراموش شود. شما این را یک پرچم کردید و با قدرت این را در دست نگه داشتید و این پرچم شد شاخص. این، اهمّیت حادثه را نشان میدهد.^۳

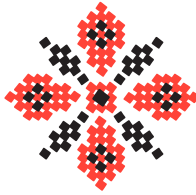
۱. الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵،

ص ۱۳۷-۱۳۹

۲. در دیدار جمعی از پیش‌کسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر

مقاومت ۱۳۸۴/۶/۳۱

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ۱۳۸۶/۱۱/۲۸



❖ دهه‌ی آخر صفر؛ دهه‌ی زینب کبری علیها السلام

این روزها، روزهای دهه‌ی آخر صفر است؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری علیها السلام است. آن کاری هم که زینب کبری علیها السلام کرد، یک کار از همین جنس بود؛ یعنی کاری محضاً برای خدای متعال، در دلِ خطرها و محنتها و زحمتهای؛ یک ابراز وجود معنوی و الهی دین در چهره‌ی مصمم زینب کبری علیها السلام. خوب است بدانیم و بفهمیم حروف تاریخ گذشته‌ی بسیار ارجمندی را که تا امروز منشأ برکات فکری و معرفتی شده است، و ان شاء الله تا آخر دنیا هم خواهد بود. زینب علیها السلام، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین علیه السلام؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنتها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین بن علی علیه السلام، بی‌سرپناهی این مجموعه‌ی به‌جامانده‌ی کودک و زن، به عنوان یک ولیّ الهی آن چنان درخشید که نظیر او را نمیشود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمیشود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب علیها السلام، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری علیها السلام در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.

شما ملاحظه کنید در قرآن کریم، به عنوان یک نمونه‌ی کامل ایمان، خدای متعال دو زن را مثال میزند؛ به عنوان نمونه‌ی کفر هم دو زن را مثال میزند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ»^۱؛ که این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه‌ی کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد؛ از زنان مثال می‌آورد؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان. «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ»^۲؛ یکی زن فرعون را به عنوان نمونه‌ی کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری؛ «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»^۳.

یک مقایسه‌ی کوتاه بین زینب کبری علیها السلام و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری علیها السلام را نشان می‌دهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است؛ برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دل‌بسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعون قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت،^۴ شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ»^۵؛ از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ میخواست که از دنیا برود. «وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ

۱. سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۰، ترجمه: «خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و لوط مثل زده است؛ آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند.»

۲. سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱، ترجمه: «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است.»

۳. سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲، ترجمه: «و همچنین به مریم دختر عمران.»

۴. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۴؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۸۵.

۵. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱، ترجمه: «در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزدیک خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده.»

وَعَمَلِهِ؛» من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده‌ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسیه - همسر فرعون - مشککش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب علیها السلام، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنجهای روحی که برای زینب کبری علیها السلام پیش آمد، اینها برای جناب آسیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری علیها السلام این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند؛ حسین بن علی علیه السلام - سیدالشهدا علیه السلام ^۱ - را دید، عباس را دید، علی اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محنتها را دید؛ تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبتها را مگر میشود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب علیها السلام به پروردگار عالم عرض نکرد: «رَبِّ مُحَمَّدٍ»؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره‌پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض میکند: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول کن. ^۲ وقتی از او سؤال میشود که چگونه دیدی؟ میفرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» ^۳. این همه مصیبت در چشم زینب کبری علیها السلام زیبا است؛ چون از سوی خدا است، چون برای او است، چون در راه او است، در راه اعلاء کلمه‌ی او است.

بینید این مقام، مقام چنین صبری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل میکند. این، عظمت مقام زینب علیها السلام را نشان میدهد. کار برای

۱. کامل الزیارات، ص ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۳۸

۲. مقتل الحسین، مقدم، ص ۳۲۲

۳. الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مثير الأحزان، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶

خدا این جور است. لذا نام زینب علیها السلام و کار زینب علیها السلام امروز الگو است و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی علیه السلام کرد و کاری که زینب کبری علیها السلام کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمّل مصائب و مشکلات، موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رایج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تعلیم داده است. کار برای خدا خاصیتش این است. از جنس همین کار، کار انقلاب بود؛ لذا انقلاب ماندگار شد؛ ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد.^۱

۱. در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۸/۱۱/۱۹



❖ زینب علیها السلام؛ عامل پیروزی خون بر شمشیر

در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری علیها السلام برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری علیها السلام یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب علیها السلام بود؛ و الا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری علیها السلام؛ نقشی که حضرت زینب علیها السلام بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است.

این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری علیها السلام را مشاهده میکند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر میشود؛ کاری میکند دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقدر قدرت خود، در کاخ

ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او میزند و پیروزی او را تبدیل میکند به یک شکست؛ این کار زینب کبری علیها السلام است. زینب علیها السلام نشان داد که میتوان حُجُب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزّت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

✦ عظمت خطبه‌ی تاریخی حضرت زینب علیها السلام ✦

آنچه که از بیانات زینب کبری علیها السلام باقی مانده است و امروز در دسترس ما است، عظمت حرکت زینب کبری علیها السلام را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش‌نشدنی زینب کبری علیها السلام در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوّت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلله میکنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همان جور حرف میزند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْحِثْلِ وَالْعَدْرِ؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت علیهم السلام هستید؛ اما در امتحان این جور کم آوردید، در فتنه این جور کوری نشان دادید.

«هَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ وَالْعُجْبُ وَالشَّنْفُ وَالْكَذِبُ وَ مَلَأَ الْإِمَاءَ وَ غَمْرُ

الأعداء؛» شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین علیه السلام هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بربیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید.

«مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرایط دشوار، این گونه صحبت میکرد. این جور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب علیها السلام نشستند باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ همانهایی که مسلم را به دست ابن‌زیاد دادند، همانهایی که به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و تخلف کردند، همانهایی که آن روزی که باید با ابن‌زیاد درمی‌افتادند، توی خانه‌هایشان مخفی شدند - اینها بودند توی بازار کوفه - یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه میکنند، دختر امیرالمؤمنین را می‌بینند، گریه میکنند. حضرت زینب کبری علیها السلام با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما این جور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر

ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، این جور خودش را در شرایط دشوار نشان میدهد.

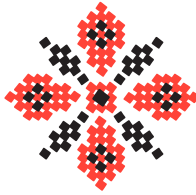
✦ عظمت زینب کبری علیها السلام ✦

این زن است که الگو است؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی میکند؛ میگوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگرگوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب علیها السلام را اینجا میشود فهمید.^۱



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زنان اربعین حسینی

۱. در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور ۱۳۸۹/۲/۱



❖ حماسه‌ی حضرت زینب علیها السلام؛ عدل حماسه‌ی عاشورا

تقارن هفته‌ی بسیج هم با این ایام که ایام حماسه‌ی بزرگ تاریخ اسلام است، یک اتفاق مطلوب و مغتنم است. منظورمان [از] حماسه‌ی بزرگی که عرض کردیم، حماسه‌ی زینب کبری علیها السلام است که مکمل حماسه‌ی عاشورا است؛ بلکه به یک معنا حماسه‌ای که بی‌بی زینب کبری علیها السلام به وجود آورد، احیاکننده و نگه‌دارنده‌ی حماسه‌ی عاشورا شد. عظمت کار زینب کبری علیها السلام را نمیشود در مقایسه‌ی با بقیه‌ی حوادث بزرگ تاریخ سنجید؛ باید آن را در مقایسه‌ی با خود حادثه‌ی عاشورا سنجید؛ و انصافاً این دو عدل یکدیگرند.

❖ زینب کبری علیها السلام؛ مجسمه‌ی عزت و مایه‌ی سربلندی اسلام

این انسان با عظمت، این بانوی بزرگ اسلام بلکه بشریت، توانست در مقابل کوه سنگین مصائب، قامت خود را استوار و برافراشته نگه دارد؛ حتی لرزشی هم در صدای این بانوی بزرگ از این همه حادثه پدید نیامد؛ هم در مواجهه‌ی با دشمنان، هم در مواجهه‌ی با مصیبت و حوادث تلخ، مثل یک قلّه‌ی سرفراز استواری ایستاد؛ درس شد، الگو شد، پیشوا شد، پیشرو شد. در بازار کوفه، در حال اسارت، آن خطبه‌ی شگفت‌آور را ایراد کرد: «یا أَهْلَ الْکُوفَةِ یا أَهْلَ الْحَتَلِ وَالْغَدْرِ أَتَبْکُونَ، أَلَا فَلَآ رَقَاتِ الْعَبْرَةِ وَ لَاهْدَاتِ الرَّفْرِؤِ إِنَّمَا مَثَلُکُمْ کَمَثَلِ الَّتِی نَقَضَتْ غَرْمَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ

انکائاً» تا آخر؛ لفظ مثل پولاذ محکم، معنا مثل آب روان تا اعماق جانها می‌نشیند. در آن چنان وضعیتی زینب کبری علیها السلام مثل خود امیرالمؤمنین حرف زد؛ تکان داد دلها را، جانها را و تاریخ را؛ این سخن ماند در تاریخ؛ این در مقابل مردم در محمل اسارت.

بعد هم، هم در مقابل ابن‌زیاد در کوفه،^۲ هم چند هفته بعد در مقابل یزید در شام،^۳ با آن چنان قدرتی سخن گفت که، هم دشمن را تحقیر کرد، هم سختی‌هایی را که دشمن تحمیل کرده بود، تحقیر کرد. شما می‌خواهید خاندان پیغمبر را به خیال باطل خودتان مغلوب کنید، منکوب کنید، ذلیل کنید؟ «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۴؛ مجسمه‌ی عزت است زینب کبری علیها السلام، همچنان که حسین بن علی علیه السلام در کربلا، در روز عاشورا مجسمه‌ی عزت بود. نگاه او به حوادث با نگاه دیگران فرق دارد؛ [با] آن همه مصیبت، وقتی دشمن می‌خواهد او را شماتت کند، میگوید: «مَا رَأَيْتَ إِلَّا جَمِيلاً»^۵؛ آنچه دیدم زیبا بود؛ شهادت بود، داغ بود، اما در راه خدا بود، برای حفظ اسلام بود، ایجاد یک جریان بود در طول تاریخ تا امت اسلام بفهمند که چه کار باید بکنند، چگونه باید حرکت کنند، چگونه باید بایستند. این کار بزرگ حماسه‌ی زینبی است؛ این عزت ولی خدا است. زینب کبری علیها السلام از اولیاء الله است؛ عزت او عزت اسلام است؛ اسلام را عزیز کرد، قرآن را عزیز کرد.

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۴؛ «ای مردم کوفه، ای گروه دغا و دغل و بی‌غیرت، اشکتان خشک نشود و ناله‌تان آرام نگیرد؛ مثل شما مثل آن زن است که رشته‌ی خود را پس از محکم تافتن و ریستن باز تارتار میکند؛ سوگندهایتان را دستاویز فساد کرده‌اید.»

۲. الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مشیرالأحزان، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶

۳. بلاغات النساء، ص ۲۰-۲۳؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۴-۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳-۱۳۵

۴. سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۸، ترجمه: «عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.»

۵. الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مشیرالأحزان، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶

❖ لزوم حرکت در جهت حرکت زینبی

ما البته آن بلندپروازی را نداریم، آن همت را نداریم که بخواهیم بگوییم رفتار این بانوی بزرگ‌الگوی ما است؛ ما کوچک‌تر از این حرفها هستیم؛ اما باید به هر حال حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد؛ باید همت ما، عزت اسلام و عزت جامعه‌ی اسلامی و عزت انسان باشد؛ همان که خدای متعال با احکام دینی و شرایع بر پیغمبران، مقرر فرموده است... .

❖ صدق؛ مولد روحیه‌ی زینبی

از عوامل مولد این روحیه و این صبر در زینب کبری علیها السلام و در دیگر اولیاء‌اللّٰهی که این جور حرکت کردند، صدق است؛ صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است.^۱

۱. در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹



❖ نقش حضرت زینب علیها السلام در ماندگاری حادثه‌ی عاشورا

حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبری علیها السلام نگذاشت. دو حرکت عمده‌ی ما - زینب کبری علیها السلام - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام^۱ و آن روشنگری‌ها و آن بیانات^۲ که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛^۳ حالا اربعین اول یا دوم یا هر چه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حق‌گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان که نتوانسته‌اند.^۴

۱. الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۰ و ۱۲۷؛ اللهوف، ص ۸۴ و ۹۹-۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۰۷ و ۱۲۴

۲. برخی شواهد: أخبار الزینبات، ص ۱۱۵-۱۱۹؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۴-۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۲-۱۶۴

۳. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۲

۴. در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷



❖ حضرت زینب علیها السلام؛ زنده‌نگه‌دارنده‌ی عاشورا

این روزها روزهای زینب کبری علیها السلام است و زینب کبری علیها السلام همان کسی است که ماجرای عاشورا را زنده نگه داشت؛ مانع شد از اینکه این ماجرا در خلال افسونهای سیاسی دستگاه حاکم آن روز از بین برود و فراموش شود یا در تاریخ کهنه شود؛ مسئله را زینب کبری علیها السلام زنده نگه داشت؛ بنابراین روزهای مهمی است.^۱

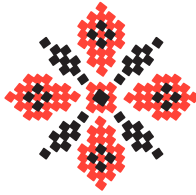
۱. در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشجوین ۱۳۹۴/۸/۱۲



❖ تکمیل عاشورا با رهبری امام سجّاد و زینب کبری علیهم السلام

ایام مهمّی است؛ ایام محرّم است. محرّم فقط دهی عاشورا نیست؛ یک حادثه‌ی عظیم در ایام محرّم در تاریخ اتّفاق افتاده که این حادثه تمام‌شدنی نیست. نه به معنای اینکه نظایر آن و اشباه آن استمرار پیدا میکنند - آن به جای خود محفوظ، که بحث دیگری است - اما خود این حادثه مثل خورشیدی است که غروب ندارد. یک وقت حادثه‌ی عظیمی اتّفاق می‌افتد، امروز اتّفاق می‌افتد و فردا از بین میرود؛ [مثل] این حادثه نیست. این حادثه مثل خورشید بی‌غروبی است که همواره بوده تا امروز، بعد از این هم خواهد بود. یک تصویر و ترسیم جاندار و باحقیقتی است از مبارزه‌ی نور و ظلمت، جنگ حق و باطل، جنگ شرافت با لثامت و دنائت؛ البتّه اوجش روز عاشورا بود لکن مقدمات آن روزهای اوایل محرّم، قبل از عاشورا فراهم شد، بعد از عاشورا - مثل یک چنین روزهایی - حادثه‌ی عاشورا با رهبری زینب کبری و امام سجّاد علیهم السلام تکمیل شد.^۱

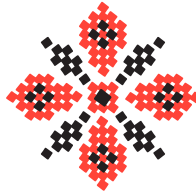
۱. در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۷/۲۸



❖ زوال ناپذیری عاشورا، نتیجه‌ی حماسه‌ی امام سجّاد و حضرت زینب علیها السلام

ایام بسیار مهمّ بعد از عاشورا است؛ در واقع ایام حماسه‌ی زینبی است. در چنین روزهایی مسیر کربلا و کوفه و شام و بعد از آن مدینه، مسیر حرکت نورانی پُرشکوه حماسی زینب کبری علیها السلام و حضرت امام سجّاد علیه السلام و بقیّه‌ی اسرای عاشورا است؛ اینها که توانستند با این حرکت خود، ماجرای عاشورا را ابدیت ببخشند، آن را دائمی کنند، زوال ناپذیر کنند.^۱

۱. در همایش ده‌ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲



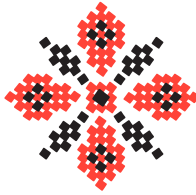
❖ زینب کبریؑ؛ بانوی برجسته‌ی تاریخ بشریت

حضرت زینب کبریؑ یک بانوی برجسته‌ی در تاریخ بشریت است، نه فقط تاریخ اسلام. واقعاً این جور است. آن شخصیت مستحکم و قوی، آن انسان بزرگ، آن انسانی که «زن نگر دست خدا در آستین»؛^۱ آن چنان که او عمل میکند کمتر انسانی - چه مرد، چه زن - میتواند با این قدرت، با این استحکام وارد میدانهای دشوار بشود.^۲

۱. عمّان سامانی. گزیده‌ی دیوان، گنجینه‌ی الاسرار (با اندکی تفاوت)؛

«زن مگو خاک درش نقش جبین زن مگو دست خدا در آستین»

۲. در دیدار جمعی از پرستاران سراسر کشور ۱۳۹۸/۱۰/۱۱



❖ حرکت زینب کبری و امام سجّاد علیه السلام، قیامی به معنای واقعی کلمه

امروز روز دوازدهم محرم است، روز شهادت امام سجّاد علیه السلام بنا به قولی^۱ و به طور واضح و آشکار، در واقع روز شروع قیام زینبی و سجّادی؛ یعنی عاشورا قیام حسینی بود، حوادث گوناگون بعد از عاشورا در واقع قیام زینبی است. حرکت عظیم زینب کبری علیها السلام در درجه ی اول، و امام سجّاد علیه السلام و بقیّه ی زنان با عظمت آل الله در این دوران یکی دو ماهه ی بعد از آن، یک قیام به معنای حقیقی کلمه است. کارهای بزرگی را انجام دادند، کربلا را و این شهادت بزرگ را ماندگار کردند، تثبیت کردند.^۲

۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۸۱، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱

۲. در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش ۱۳۹۹/۶/۱۱



❖ ظرفیت روحی و خردمندی؛ دو نکته‌ی مهم زندگی حضرت زینب علیها السلام

درباره‌ی زینب کبری علیها السلام خب خیلی حرف، بحث، تمجید، تعظیم و تکریم شده در بیانات و در کلمات، که بسیار هم بجا و درست بوده؛ لکن دو نکته‌ی مهم در زندگی این بزرگوار هست، که حالا من هر دو را عرض خواهم کرد.

نکته‌ی مهم‌تر و اول، این نکته‌ای است که عرض میکنم؛ و آن این است که زینب کبری علیها السلام توانست به همه‌ی تاریخ و همه‌ی جهان نشان بدهد ظرفیت روحی و عقلی عظیم جنس زن را؛ این خیلی مهم است. به کوری چشم آن کسانی که چه در آن زمان، چه در دوره‌ی ما هر کدام به نحوی جنس زن را تحقیر میکردند و میکنند، زینب کبری علیها السلام توانست نشان بدهد علو مرتبه‌ی زن و عظمت قدرت روحی و عقلانی و معنوی زن را؛ که من حالا یک مختصری توضیح خواهم داد. اینکه عرض کردیم امروز تحقیر میکنند، یک واقعیتی است که حالا وارد بحث نمیشویم؛ بیشتر از همه هم همین غربی‌ها دارند زن را به شکل خطرناکی تحقیر میکنند. این بزرگوار، زینب کبری علیها السلام، دو نکته را نشان داد: یک نکته اینکه زن میتواند اقیانوس عظیمی باشد از صبر و تحمل؛ دوم اینکه زن میتواند قله‌ی بلندی باشد از خردمندی و تدبیر؛ اینها را عملاً زینب کبری علیها السلام نشان داد؛ نه فقط به آن عده‌ای که در کوفه و شام بودند؛ به تاریخ نشان داد، به همه‌ی بشر نشان داد.

❖ توصیف ناپذیری صبر حضرت زینب علیها السلام ❖

در مورد صبر و تحمل؛ صبری که زینب کبری علیها السلام کرد و تحملی که زینب کبری علیها السلام کرد مصیبت‌ها را، اصلاً قابل توصیف نیست. اولاً صبر در برابر شهادتها. تقریباً در یک نصفه‌روز یا یک روز ناقص، هجده نفر از عزیزان و نزدیکانش شهید شدند که یکی از این جمع، برادر عظیم‌الشان او، حجت خدا، حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود؛ جلوی چشمش اینها شهید شدند؛ دو فرزند خودش هم شهید شدند؛^۲ صبر کرد. کوه متلاشی میشود در مقابل یک چنین مصیبتی؛ زینب کبری علیها السلام توانست صبر کند؛ صبر کرد و توانست با قدرت روحی خود کارهای بعد را انجام بدهد. اگر بی‌صبری میکرد، اگر ضجه میکرد، اگر بی‌تابی نشان میداد، این سخنرانی‌ها و این حرکت عظیم و مانند اینها را نمیتوانست انجام بدهد؛ پس صبر در برابر شهادتها.

صبر در برابر اهانتها. بانویی که از اول عمر با عزت زندگی کرده، و از دوران خردسالی تا بزرگی همه با چشم عظمت به او نگاه کرده‌اند، از طرف اراذل و اوپاش لشکر اموی آن جور مورد اهانت قرار میگیرد، [اما] صبر میکند و نمیشکند.

صبر در برابر مسئولیت سنگین جمع‌آوری فرزندان یتیم و زنهای داغدار؛ این کار عظیمی است. توانست این ده‌ها زن و کودک داغدار و آسیب‌دیده و مصیبت‌زده را جمع و جور کند، نگه دارد و بتواند اینها را در این سفر دشوار اداره کند؛ اینها کار زینب علیها السلام بود؛ صبر. حقیقتاً زینب کبری علیها السلام اقیانوسی از صبر و آرامش را نشان داد؛ یعنی جنس زن میتواند به اینجا برسد؛ به این نقطه‌ی عظیم از قدرت روحی و معنوی برسد. در کنار این چیزهایی که عرض کردیم، پرستاری از حجت خدا،

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ الأمالی، صدوق، ص ۱۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹

۲. مقاتل الطالبیین، ص ۹۵-۹۶؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۲۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵،

پرستاری از حضرت سجّاد علیه السلام^۱ که این هم صبر میخواست، و توانست و به بهترین وجهی انجام داد؛ این در مورد صبر.

✦ خردمندی شگفت‌آور حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت

اما در مورد خردمندی، رفتار خردمندانه و قدرت عقلانی و تدبیر. این رفتاری که در دوران اسارت کرد حقیقتاً شگفت‌آور است؛ عقیده‌ی من این است که روی جزء جزء این رفتار بایستی ما مطالعه کنیم، تأمل کنیم، بنویسیم، بگوییم، اثر هنری تولید کنیم؛ شوخی است؟ [همچنین] در برابر حکام مغرور و متکبر، مظهر ایستادگی و اقتدار روحی است. در کوفه وقتی که این‌زیاد زبان شماتت را باز میکند که مثلاً «هان! دیدید چه شد، دیدید شکست خوردید.» در جوابش میگوید «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»^۲؛ هر چه دیدم زیبایی بود؛ زد تو دهن آن مرد متکبر خبیث مغرور؛ این در مقابل [این‌زیاد]. در مقابل یزید وقتی که آن حرفهای مُهمل و چرند را یزید بر زبان آورد و آن کارها را کرد، حضرت بیاناتی را بیان کردند و این جمله را که واقعاً تاریخی است [فرمودند که] «كِدْ كَيْدَكَ وَاسْعَ سَعِيكَ... فَوَاللَّهِ لَا تَمَحُو دِكْرَنَا»^۳؛ به زبان امروز ما این جوری میشود که هر غلطی میتوانی بکن، هر کاری میتوانی انجام بده، والله نخواهی توانست یاد ما را از آفاق ذهن مردم دور کنی. این را به چه کسی میگوید؟ به یزید متکبر مغرور مستبد خون‌خوار؛ این، قدرت روحی یک زن را نشان میدهد؛ این چه قدرتی است؟ این چه عظمتی است؟ [اینها] نشان‌دهنده‌ی تدبیر و خردمندی است. این حرفها با محاسبه بیان شده. اما در مقابل مردم وقتی قرار میگیرد، آنجا جای اظهار اقتدار

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸؛ روضة الواعظین، ص ۱۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱

۲. الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مشیر الأحران، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶

۳. اللهوف، ص ۱۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵

نیست، جای تنبیه است، جای تبیین است، جای سرزنش مردمی است که نمیدانند چه کار کرده‌اند و چه کار باید میکردند.

در کوفه، در خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام، بعد که مردم شروع کردند های‌های گریه کردن، حضرت زینب علیها السلام [فرمودند]: «أَتَبْكُونَ؟» گریه میکنید؟ «أَلَا فَلَا رَفَأَتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هَدَأَتِ الرَّفْرَةَ»؛ گریه‌ی شما هرگز بند نیاید؛ این چه گریه‌ای است که شما میکنید؟ میدانید چه کردید؟ «إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»^۱؛ شماها کاری کردید که همه‌ی زحمات گذشته‌ی خودتان را نابود کردید. این جوری حرف میزند؛ و بنده احتمال قوی میدهم یکی از عوامل مهم حرکت توأبیین که بعد در کوفه سر بلند کردند و قیام کردند^۲ و آن حادثه‌ی بزرگ را راه انداختند، همین فرمایش حضرت زینب علیها السلام و همین خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام بود.

بنابراین، این نکته‌ی اول درباره‌ی شخصیت حضرت زینب علیها السلام که خلاصه‌اش این است که زینب کبری علیها السلام با رفتار خود و با بیانات خود، ظرفیت معنوی و عقلانی جنس زن را نشان داد. جوری حرف میزند مثل اینکه امیرالمؤمنین دارد حرف میزند؛ جوری می‌ایستد مثل اینکه پیغمبر در مقابل کفار می‌ایستد. این ظرفیت زن است.

✦ جهاد تبیین، درس زینبی

نکته‌ی مهم دیگر در زندگی این بزرگوار که آن هم باز نشانه‌ی تدبیر است، این است که این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری علیها السلام از حادثه‌ی عاشورا در تاریخ مانده، [اما] در

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹-۳۰

۲. الطبقات الکبری، خامسة ۱، ص ۵۰۹-۵۱۰

همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در مجموعه‌ی سالهای حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید! این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم: شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را... این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه‌ی جوانهای ما است.^۱



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

۱. در دیدار پرستاران و خانواده‌ی شهدای سلامت ۱۴۰۰/۹/۲۱



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

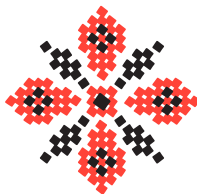
فَضَائِلُهُ

الرَّابِعِينَ

الرَّابِعِينَ



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



❖ اربعین؛ پایه‌گذاری سنت زیارت و احیاء یاد کربلا

اهمیت اربعین از کجا است؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید میگذرد، چه خصوصیتی دارد؟ خصوصیت اربعین به این است که در اربعین حسینی، یاد شهادت حسین علیه السلام زنده شد؛ و این بسیار مهم است.

شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می‌افتاد، یعنی حسین بن علی علیه السلام و بقیه‌ی شهیدان در کربلا شهید میشدند، اما بنی‌امیه موفق میشدند همان طور که خود حسین علیه السلام و یاران عزیزش را از صفحه‌ی روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره‌ی نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند، آیا این شهادت فایده‌ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز اثری می‌گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ، برای نسلهای بعد هم برای گرفتاری‌ها و سیاهی‌ها و تاریکی‌ها و یزیدهای دوران آینده‌ی تاریخ هم اثری روشن‌گر و افشاکننده داشت؟!

اگر حسین علیه السلام شهید میشد، اما مردم آن روز و مردم نسلهای بعد نمیفهمیدند شهید شده، این خاطره چه اثری و چه نقشی میتواندست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیختگی ملت‌ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ میدانید هیچ اثری نداشت. آری؛ حسین علیه السلام شهید میشد، خود او به اعلی‌ین رضوان خدا میرسید؛ شهیدانی که کسی نفهمید و

در غربت، سکوت و خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد؛ اما چقدر درس و اسوه میشدند؟

شهیدان چقدر اسوه شدند؟ سیره‌ی آن شهیدی درس میشود که شهادت او و مظلومیت او را نسلهای معاصر و آینده بدانند و بشنوند. آن شهیدی درس و اسوه میشود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود. مظلومیت یک ملت آن وقتی میتواند زخم پیکر ستم‌کشیده و شلاق‌خورده‌ی ملت‌ها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسانهای دیگر برسد. برای همین است که امروز ابرقدرت‌ها صدا در صدا انداخته‌اند تا صدای ما بلند نشود؛ برای همین است که حاضرند پولهای گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد جنگ تحمیلی چرا و با چه انگیزه‌ای، با دست چه کسی، با تحریک چه کسی به وجود آمده است.

آن روز هم دستگاه‌های استکباری حاضر بودند هر چه دارند، خرج کنند، به قیمت اینکه نام و یاد حسین علیه السلام و خون حسین علیه السلام و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملت‌های بعد باقی نماند و شناخته نشود. البته در اوایل کار درست نمی‌فهمیدند چقدر مطلب، باعظمت است. هر چه بیشتر گذشت، بیشتر فهمیدند. در اواسط دوران بنی‌عبّاس حتی قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کردند، آب انداختند؛ خواستند از او هیچ اثری باقی نماند.^۱ نقش یاد و خاطره‌ی شهیدان و شهادت، این است. شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی‌بخشد. و اربعین، آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن آغاز شد و روز بازماندگان

۱. مقاتل الطالبتین، ص ۴۷۸-۴۷۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۹۴-۳۹۵

شهدا است؛ حالا چه در اربعین اوّل، خانواده‌ی امام حسین علیه السلام به کربلا آمده باشند^۱ و چه نیامده باشند^۲.

اما اربعین اوّل آن روزی است که برای اوّلین بار زائران شناخته شده‌ی حسین بن علی علیه السلام به کربلا آمدند؛^۳ جابر بن عبدالله انصاری^۴ و عطیّه^۵ از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام به آنجا آمدند. آن طور که در نوشته‌ها و اخبار هست، جابر بن عبدالله نابینا بود، عطیّه دستش را گرفت و برد روی قبر حسین بن علی علیه السلام گذاشت. او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه السلام حرف زد.^۶

او با آمدن خود و با سخن گفتن خود، خاطره‌ی حسین بن علی علیه السلام را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهدا را پایه‌گذاری کرد. روز اربعین، چنین روز مهمّی است.

✦ انقلاب اسلامی؛ تجربه‌ی دوباره‌ی پیروزی خون بر شمشیر

شما خانواده‌های شهیدان عزیز ما، امروز در وضع خاصّی از تاریخ قرار گرفته‌اید. مسئله‌ی امروز در جمهوری اسلامی با مسئله‌ی حسین بن علی علیه السلام تفاوت‌هایی دارد. امروز شما در جامعه‌ای زندگی میکنید که اندیشه‌ی حسین علیه السلام و روح حسینی بر آن جامعه حاکم است؛ جامعه‌ای است که با حرکت حسینی به وجود آمده؛ با فریاد حسینی، یزیدیان زمان از اوج قدرت به زیر کشیده شدند.

۱. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۲

۲. العدد القویة، ص ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴-۳۳۵

۳. همان

۴. رجال الطوسی، ص ۳۱-۳۲؛ الإستیعاب، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰

۵. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۱

۶. تنبیه الغافلین، ص ۹۰؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۵،

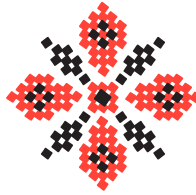
ص ۱۳۰-۱۳۱

مردان و زنان ما توانستند با درس گرفتن از حسین علیه السلام تجربه‌ی پیروزی حق بر باطل را در روزگار غربت و محرومیت اهل حق زنده کنند و نشان بدهند؛ در حالی که در دنیای امروز هیچ نشانی از این وجود نداشت که حق بر باطل پیروز بشود و تفکر الهی جای خودش را در میان مردم و در زندگی مردم باز کند. مردم ما توانستند با جان دادن، با خون دادن، با شهید دادن و شهادت را برای خود و عزیزان خود پذیرفتن، به اینجا برسند... همان طور که زینب کبری علیها السلام عصر عاشورا و شب یازدهم، میان آن همه شدت و محنت، دست و پای خودش را گم نکرد و مأیوس نشد، ما هم امروز مأیوس نیستیم و نباید باشیم.

همان عصر عاشورا - بنا به نقل بعضی از روایات - زینب علیها السلام به برادرزاده‌ی خودش علی بن الحسین علیه السلام گفت: ای برادرزاده‌ی من! اوضاع این گونه نمیماند؛ این قبرها آباد خواهد شد، این پرچم برافراشته خواهد شد، مردم و ملت‌ها و نسل‌ها، گروه‌گروه می‌آیند و از اینجا درس می‌گیرند و برمیگردند.^۱ اینجا مدرس آزادی خواهان عالم خواهد شد، و شد. آن روز این امید، آینده را نشان میداد.^۲

۱. کامل‌الزیارات، ص ۴۴۷؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۲

۲. در دیدار جمع کثیری از خانواده‌های شهدای تهران و حومه ۱۳۶۳/۸/۲۲



✦ اربعین: امتداد حرکت عاشورا

فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم. آمدن اهل بیت حسین بن علی علیهم السلام به سرزمین کربلا - که اصل این آمدن، مورد قبول است؛^۱ اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست - فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آن چنان که گاهی بر زبانها جاری میشود؛ مسئله از این بسیار بالاتر بود. نمیشود کارهای شخصیتی مثل امام سجّاد علیه السلام یا مثل زینب کبری علیها السلام را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد؛ باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت، در جستجوی رازهای بزرگ‌تر بود.

مسئله‌ی آمدن بر سر مزار سیدالشهدا علیه السلام، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی علیه السلام و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند، تفهیم کنند که این حادثه تمام نشد؛ مسئله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسئله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محلّ اجتماع شما است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه‌ی شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه‌ی مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل

۱. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۲؛ مشیرالأحزان، ص ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص

نظام اسلامی و تلاش در راه آن، حتّی در حدّ شهادت، آن هم با آن وضع؛ این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمیرفت و خاطره‌ی آن برای همیشه زنده میماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجّاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام به کربلا در اربعین، به این مقصود بود. لذا شما نگاه میکنید، زیارت اربعین^۱ یکی از آن پرمغزترین و پرمضمون‌ترین زیارتهایی است که برای ائمّه علیهم السلام ذکر شده است.^۲

۱. مصباح‌المتهجّد، ص ۷۸۸-۷۹۰؛ بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱-۳۳۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۶/۷/۲۴



❖ اربعین؛ پایه‌گذاری یاد نهضت حسینی

اساساً اهمّیت اربعین در این است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیغمبر، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری شد. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی علیه السلام در عاشورا - کمر نبندند به حفظ یاد و آثار شهادت، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد. درست است که خدای متعال شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه میدارد و شهید به طور قهری در تاریخ و در یاد مردم ماندگار است، اما ابزار طبیعی‌ای که خدای متعال قرار داده است برای این کار، مثل همه‌ی کارها، همین چیزی است که در اختیار ما است، در اراده‌ی ما است؛ ما هستیم که با تصمیم درست و بجا میتوانیم یاد شهدا را و خاطره‌ی شهادت را و فلسفه‌ی شهادت را احیاء کنیم و زنده نگه داریم.

اگر زینب کبری علیها السلام و امام سجّاد علیه السلام در طول روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا؛ و چه در روزهای بعد، در کوفه، در راه شام و کوفه، در خود شام - بعد در آمدن به کربلا و زیارت، بعد در رفتن به مدینه، و بعد در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند،^۱

۱. دوره‌ی حیات امام سجّاد علیه السلام؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۶۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۲. دوره‌ی حیات حضرت زینب علیها السلام؛ أخبار الزینبات، ص ۱۲۲؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۴۳

مجاهدت نکرده بودند، نگفته بودند، تبیین نکرده بودند، حقایق را افشا نکرده بودند، حقیقت فلسفه‌ی عاشورا را و هدف حسین بن علی علیه السلام را و ظلم دشمن را بیان نکرده بودند،^۱ واقعه‌ی عاشورا تا امروز جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.

چرا امام صادق علیه السلام - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟^۲ چرا؟ چون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی تجهیز شده بودند برای اینکه مسئله‌ی عاشورا و کلاً مسئله‌ی اهل بیت را در انزوا و در ظلمت نگه دارند، نگذارند مردم بفهمند که چه شد و قضیه‌ی چه بود. تبلیغ این جور است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز میکردند. در یک چنین فضایی مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا که در یک گوشه‌ای از دنیای اسلام و در یک بیابانی اتفاق افتاده، با این عظمت، با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً از بین میرفت. آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی علیه السلام بود؛ صاحبان پرچم و صاحبان قضیه. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی علیه السلام سخت بود و برخورد داشت با موانع، به همان اندازه مجاهدت زینب علیها السلام و مجاهدت امام سجاد علیه السلام و بقیه‌ی بزرگواران دشوار بود. البته صحنه، صحنه‌ی نظامی نبود؛ صحنه‌ی تبلیغی بود، صحنه‌ی فرهنگی بود. ما باید به این نکته‌ها توجه کنیم.

۱. افشاگری‌های امام سجاد علیه السلام در کوفه، شام و مدینه: الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۳؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۳-۳۴؛ مناقب آل أبی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ اللهوف، ص ۹۲-۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۸-۱۴۹. افشاگری‌های حضرت زینب علیها السلام در کربلا، کوفه، شام و مدینه: أخبار الزینبات، ص ۱۱۵-۱۱۹؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۶؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۳-۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۹۸؛ مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۲۲
۲. ثواب الأعمال، ص ۸۳-۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲-۲۸۳

درسی که اربعین به ما می‌دهد این است: یاد حقیقت را و خاطره‌ی شهادت را باید در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت... در مقابل این تبلیغات، اگر تبلیغات حق نبود و نباشد، اگر ملت ایران، گویندگان، نویسندگان، هنرمندان و آگاهی خود ملت در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. و میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است... دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی علیه السلام را محکوم می‌کرد، وانمود می‌کرد که حسین بن علی علیه السلام یک کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده؛ بعضی هم باور می‌کردند. بعد هم که حسین بن علی علیه السلام با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع به وسیله‌ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، این را یک غلبه‌ای و یک فتحی وانمود می‌کردند. اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته‌ها را عوض کرد. و حق این جوری است.^۱

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۶/۲۹



❖ ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهدا علیهم السلام

مایلم یک جمله هم ذکر مصیبت کنم. فردا اربعین سیدالشهدا علیهم السلام است. به مناسبت سالگرد امام، ما از جاهای مختلف بر سر مزار او گرد آمده‌ایم. تناسب این جمع آمدن و گرد آمدن ما بر سر قبر امام، با اربعین تناسب عجیبی است. در روز اربعین هم، بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب، اولین زائران اباعبدالله الحسین علیهم السلام بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند.

از جمله کسانی که آن روز آمدند، یکی «جابر بن عبدالله انصاری» است و یکی «عطیه بن سعد عوفی» که او هم از اصحاب امیرالمؤمنین علیهم السلام است. جابر بن عبدالله از صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و از اصحاب جنگ بدر است؛ آن روز هم علی‌الظاهر مرد مستی بوده است؛ شاید حداقل شصت هفتاد سال از سنین او - بلکه بیشتر - می‌گذشته است. اگر در جنگ بدر بوده، پس لابد قاعدتاً در آن وقت باید بیش از هفتاد سال سن داشته باشد؛ لیکن «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین علیهم السلام است. او آن وقت جوان‌تر بوده؛ چون تا زمان امام باقر علیهم السلام هم «عطیه بن سعد عوفی» علی‌الظاهر زندگی کرده است.^۱

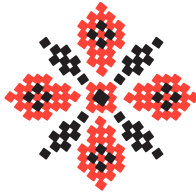
عطیه می‌گوید: وقتی به آنجا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، اما این پیرمرد گفت: اول دم شط فرات برویم و غسل کنیم. در شط

۱. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۱.

فرات غسل کرد، سپس قطیفه‌ای به کمر پیچید و قطیفه‌ای هم بر دوش انداخت؛ مثل کسی که می‌خواهد خانه‌ی خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین علیه السلام رفت. ظاهراً او نابینا هم بوده است. می‌گوید با هم رفتیم، تا نزدیک قبر امام حسین علیه السلام رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد. این پیرمرد که لابد حسین بن علی علیه السلام را بارها در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بود، با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین! ^{۱۲۵}

۱. تنبیه الغافلین، ص ۹۰؛ بشارة المصطفی، ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴



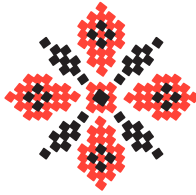
❖ گستردگی روزافزون زیارت کربلا

آنجا [کربلای مُعلی] کعبه‌ی دلها است. همان نقطه‌ای که روزی تصوّر میشد همه چیز در آنجا دفن شد، اصالتها، حقیقتها، ارزشها، و همه‌ی جلوه‌های اسلام نابِ پیغمبر ﷺ از میان رفت و تمام شد، امروز ببینید چطور دل‌های مردم دنیا را به خودش جذب کرده است! این، نه به صورت ایمان و باور، بلکه به صورت عشق است. از ایران، عربستان، هندوستان و از اقطار عالم، انسانهایی باشتیاق به آنجا میروند. پس معلوم میشود که دست‌های مادی، هیچ وقت نمیتوانند اصالتها را دفن کنند. اگر مردمی، ضعیف و بی‌عرضه باشند و جلوی چشم آنها اخفاء و کتمان انجام گیرد، چوب بی‌حمیتی و بی‌همتی خودشان را خواهند خورد. لکن خدای متعال، انسانهایی را برمی‌انگیزد، که خواهند توانست از آن اصالتها استفاده کنند.

از وقتی که حادثه‌ی کربلا اتفاق افتاد، تا آن زمانی که مردم، گروه‌گروه برای زیارت رفتند، این دایره همین‌طور وسیع شد؛ به خلاف وضع طبیعی عالم، که شما وقتی سنگی را در آب می‌اندازید، امواجی ایجاد میکند. یک دایره در محیط خودش به وجود می‌آورد. اما هر چه می‌گذرد، این دایره همین‌طور کوچک‌تر میشود. در این حادثه، عکس این، اتفاق افتاده است؛ یعنی هر چه این دایره وسیع‌تر شده، موجش بلندتر، نمایان‌تر، ماندگارتر، زاینده‌تر و جوشنده‌تر شده است.

امروز هم، مانع وجود دارد. حضراتی از بازماندگان جناب متوکل که آنجا هستند، حاضر نیستند تحمّل کنند! در همین سالهای اخیر، تاکنون چند بار با جماعت‌هایی که در روز «اربعین» از بخش‌های مختلف عراق به سمت کربلا می‌رفتند، مقابله کرده‌اند. عشایر غیور و مؤمن عراق، آزمایش‌های خونینی داشته‌اند؛ نمی‌گذارند خیرش پخش شود. همین سه چهار سال قبل از این هم، یک نمونه‌اش را داشتیم. اگر راه باز بود، آن وقت بیشتر دیده میشد که این شوقها کجا است؛ این کانونهای عشق و شور و محبت در دلها چقدر فراوان است، چقدر گسترده است، چقدر پرمعمق است! آخر محبت و عشق، یک آتش سوزنده است. بیشتر محبت‌ها، مثل چوب خشکی که روی آتش می‌گذارید، شعله میکشد؛ اما ماندگار نیست، سطحی است. اما این محبت، یک محبت معنوی است و روزه‌روز اشتعالش بیشتر میشود؛ اصلاً خاموشی ندارد؛ فرو نشستن ندارد. این همان عامل معنوی است. خوش به حال کسانی که جرّقه‌ای از این شعله را در دلهای خودشان دارند.^۱

۱. در دیدار وزیر بازرگانی و هیئت همراه، پس از سفر کربلا ۱۳۷۸/۸/۲۳



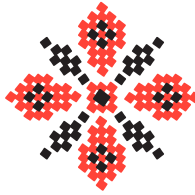
❖ اربعین؛ اولین جوشش چشمه‌های محبت حسینی

اولین شکوفه‌های عاشورایی در اربعین شکفته شد. اولین جوشش‌های چشمه‌ی جوشان محبت حسینی، که شط همیشه جاری زیارت را در طول این قرن‌ها به راه انداخته است، در اربعین پدید آمد. مغناطیس پُر جاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد. رفتن جابر بن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین علیه السلام^۱ در روز اربعین^۲، سرآغاز حرکت پُربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت، پُرشکوه‌تر، پُر جاذبه‌تر و پُرشورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است.^۳

۱. مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰-۱۳۱

۲. مسار الشیعة، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۵

۳. در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۵/۱/۱



❖ اربعین؛ شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی

امسال با تقارن عید نوروز با اربعین حسینی، عید و آغاز سال نوی ما، رنگ حسینی گرفت و با نام حسین بن علی علیه السلام، سرور آزادگان جهان و سید شهیدان، رونق یافت. چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند^۱ - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه^۲ گفته‌اند، بعضی عطا^۳ گفته‌اند؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده^۴ - این راه را طی کردند و در این روز^۵ بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند.

شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند میکنند و به کربلا میکشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شما است. کسانی که معرفت به اهل بیت علیهم السلام دارند، عشق و شور به کربلا همیشه

۱. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۲؛ اللهوف، ص ۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۵-۳۳۶

۲. بشارة المصطفى، ص ۱۲۴-۱۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰-۱۳۱

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹

۴. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۱؛ الأعلام، ج ۴، ص ۲۳۷

۵. العدد القوية، ص ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴-۳۳۵

در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان، سیدالشهدا علیه السلام.

جابرین عبدالله جزو مجاهدین صدر اوّل است؛ از اصحاب بدر است؛^۱ یعنی قبل از ولادت امام حسین علیه السلام، جابرین عبدالله در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نما، حسین بن علی علیه السلام را به چشم خود دیده است. جابرین عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، حسین بن علی علیه السلام را در آغوش میگرفت، چشمهای او را میبوسید، صورت او را میبوسید، پیغمبر صلی الله علیه و آله به دست خود در دهان حسین بن علی علیه السلام غذا میگذاشت و به او آب میداد؛ اینها را به احتمال زیاد جابرین عبدالله به چشم خود دیده بود. جابرین عبدالله به طور حتم از پیغمبر صلی الله علیه و آله به گوش خودش شنیده باشد که حسن علیه السلام و حسین علیه السلام سرور جوانان اهل بهشتند.^۲ بعدها هم بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله، موقعیت امام حسین علیه السلام، شخصیت امام حسین علیه السلام - چه در زمان خلفا، چه در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلوی چشم جابرین عبدالله انصاری است.

حالا جابر شنیده است که حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رسانده‌اند؛ جگرگوشه‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. روایت میکند که: جابرین عبدالله به کنار شطّ فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه‌ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گامهای آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین علیه السلام روانه شد.

آن روایتی که من دیدم این طور است؛ میگوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر»؛ یعنی وقتی که

۱. التاریخ الكبير، ج ۲، ص ۲۰۷

۲. المعجم الكبير، ج ۳، ص ۳۹؛ شرح الأخبار، ج ۳، ص ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۱۹

میبیند که چطور آن جگرگوشه‌ی پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهواتِ طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر میگوید. بعد میگوید: از کثرت اندوه، جابر بن عبدالله روی قبر امام حسین علیه السلام از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمیدانیم چه گذشته است، اما در این روایت میگوید وقتی بهوش آمد، شروع کرد با امام حسین علیه السلام صحبت کردن: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ!»^۱

ای حسین مظلوم! ای حسین شهید! ما هم امروز در اول این سال نو، از اعماق وجودمان عرض میکنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ». شهادت تو، جهاد تو و ایستادگی تو، اسلام را رونق داد و دین پیامبر صلی الله علیه و آله را جان تازه بخشید. اگر آن شهادت نبود، از دین پیغمبر صلی الله علیه و آله چیزی باقی نمیماند. امروز دل‌های ما هم مشتاق حسین بن علی علیه السلام و آن ضریح شش‌گوشه و آن قبر مطهر است. ما هم گرچه دوریم، ولی به یاد حسین بن علی علیه السلام و به عشق او سخن میگوییم. ما با خودمان عهد کرده‌ایم و عهد میکنیم که یاد حسین علیه السلام، نام حسین علیه السلام و راه حسین علیه السلام را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم. همه‌ی ملت ما، همه‌ی کشور ما، همه‌ی شیعیان عالم و بلکه همه‌ی آزادگان در سرتاسر جهان، یک چنین احساسی نسبت به حسین بن علی علیه السلام دارند.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹

۲. در صحن جامع رضوی ۱۳۸۵/۱/۱



❖ اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا

امروز روز اربعین است و حادثه‌ی ۲۹ بهمن تبریز هم یک حادثه‌ی اربعینی است. اربعین در حادثه‌ی کربلا، یک شروع بود، یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه‌ی کربلا انجام گرفت، آن فاجعه‌ی بزرگ اتفاق افتاد، و فداکاری بی‌نظیر اباعبدالله علیه السلام و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه‌ی اسارتها پیام را باید منتشر میکرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب علیها السلام و امام سجّاد علیه السلام مثل یک رسانه‌ی پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر میکرد و کرد.

❖ سکوت مرگ‌بار؛ نتیجه‌ی اختناق یزیدی پس از عاشورا

خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرئت این را پیدا نمیکنند که حقایقی را که فهمیده‌اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً، دستگاه ظالم و مستبد نمیگذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمیگذارد به آنچه فهمیده‌اند، عمل کنند. در کوفه، در شام، در بین راه، خیلی‌ها از زبان زینب کبری علیها السلام یا امام سجّاد علیه السلام یا از دیدن وضع اسرا، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی کی جرئت میکرد، کی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده‌ای در گلوی مؤمنین باقی بود.

♦ اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق

این عقده، روز اربعین اولین نِشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد. مرحوم سیدبن طاووس - و بزرگان - نوشته‌اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب علیها السلام و بقیّه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابرین عبدالله انصاری و عطیّه‌ی عوفی نبودند؛ «جماعة من بنی هاشم» عده‌ای از بنی هاشم، عده‌ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهدا علیه السلام جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری علیها السلام آمدند.^۱ شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری علیها السلام اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام^۲ - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضی استبعاد کرده‌اند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند.^۳ مرحوم شهید آیت الله قاضی یک نوشته‌ی مفصّلی دارد،^۴ اثبات میکنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد.

به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدما هست، این است که وقتی زینب کبری علیها السلام و مجموعه‌ی اهل بیت علیهم السلام وارد کربلا شدند، عطیّه‌ی عوفی و جناب جابرین عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه‌ای از تحقّق آن هدفی است که با شهادتها باید تحقّق پیدا میکرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توأیین به وجود آمد؛ اگرچه ماجرای توأیین سرکوب شد،^۵ اما بعد با فاصله‌ی کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیّه‌ی آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد^۶

۱. اللهوف، ص ۱۱۴

۲. همان

۳. بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴

۴. تحقیق درباره‌ی اولین اربعین سیدالشهدا علیه السلام

۵. الطبقات الکبری، خامسة ۱، ص ۵۰۹-۵۱۰

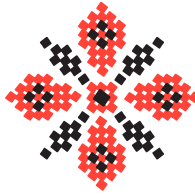
۶. الأخبار الطوال، ص ۲۸۸-۳۰۸؛ الأمالی، طوسی، ص ۲۴۰-۲۴۵؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص

و نتیجه‌ی در هم پیچیده شدن دودمان بنی‌امیه‌ی ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله‌ی مروانی‌ها آمدند؛^۱ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد.

این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدفهای آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد. عین همین قضیه در اربعین تبریز اتفاق افتاد. من در گذشته هم به مردم عزیز تبریز این را گفته‌ام؛ اگر حادثه‌ی ۲۹ بهمن در تبریز پیش نمی‌آمد، یعنی یاد شهدای قم به وسیله‌ی تبریزی‌ها آن طور با فداکاری زنده نگه داشته نمی‌شد، ممکن بود جریان مبارزه، مسیر دیگری را طی کند. بسیار احتمال داشت که این حادثه‌ی بزرگ با این شکلی که اتفاق افتاد، اتفاق نیفتد؛ یعنی قضیه‌ی تبریز و قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن، یک حادثه‌ی تعیین‌کننده بود. ماجرای خونهای ریخته‌شده در قم و اصل انگیزه‌ی حرکت قم را، ماجرای تبریز زنده و احیاء کرد. طبعاً مردم در این راه هزینه کردند؛ جانهای خودشان، آسایش خودشان، امنیت خودشان، همه را خرج کردند؛ لیکن نتیجه‌ای که گرفتند، بیداری کل کشور بود. لذا برای قم یک اربعین گرفته شد، برای اربعین شهدای تبریز در ۲۹ بهمن هم چندین اربعین گرفته شد. این گسترش حرکت را نشان می‌دهد. خاصیت حرکت صحیح این است.^۲

۱. الأخبار الطوال، ص ۲۸۱-۲۸۵؛ الإختصاص، ص ۱۳۱

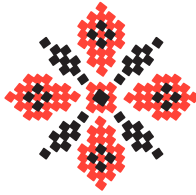
۲. در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸



❖ وظیفه‌ی همگانی در زنده نگه داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار

حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبری علیها السلام نگذاشت. دو حرکت عمه‌ی ما - زینب کبری علیها السلام - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هر چه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حق‌گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپارند؛ همچنان که نتوانسته‌اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اول تا دورانهای طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عباسی بعد از حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ سال از حادثه‌ی عاشورا، در صدد برآمد قبر مطهر ابا عبدالله علیه السلام را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالاً حالها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثتهای خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند.^۱

۱. در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی در حسینیه‌ی امام خمینی علیه السلام،



✦ حرکت عظیم اربعین عامل وحدت ملت‌های مسلمان

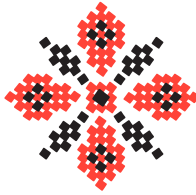
اگر ملت‌های کشورهای اسلامی در همه‌ی این منطقه‌ی وسیع - که یک کسر بسیار بزرگی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند - نه در جزئیات، [بلکه] در جهت‌گیری‌های کلی با یکدیگر همراه باشند، دنیای اسلام به اوج ترقی و تعالی خواهد رسید؛ [اینکه] در مسائل کلی کنار هم دیده بشوند؛ همین دیده شدن در کنار هم تأثیر دارد. اینکه رؤسای کشورهای اسلامی یا روشنفکران کشورهای اسلامی علیه یکدیگر حرف بزنند - ولو فقط حرف باشد - دشمن را جری می‌کند؛ به دشمن امید می‌دهد؛ همچنان که واقعیت امروز، همین است. همین قدر که ما ولو در اظهاراتمان کنار یکدیگر قرار بگیریم، عظمت میبخشد به دنیای اسلام؛ عظمت میبخشد به شخصیت امت اسلامی. هر جا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن‌ها، جسمها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه‌ی شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه‌ی آبروی پیغمبر شد. نماز عید را که میخوانیم، کنار هم قرار میگیریم، میگوییم: «الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ لِيُحْمَدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَاتًا وَ مَزِيدًا!»؛ صرف کنار هم قرار گرفتن جسمها در نماز، برای پیغمبر مایه‌ی شرف است؛ برای امت اسلامی مایه‌ی اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین جور است. امسال شما ملاحظه کردید در

۱. الاقبال، ص ۲۸۹، ذکر قنوت نماز عید فطر

اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنّی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرند، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنّی و شیعه و فرق مختلف تسنّن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت!

۱. در دیدار مسئولان نظام و مهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در سالروز میلاد پیامبر اکرم و امام جعفر صادق علیه السلام ۱۳۹۳/۱۰/۱۹



❖ راه‌پیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی

با نگاهی به آنچه در سال ۹۳ گذشت، مشاهده میکنیم که عزم ملی بحمدالله بروز و ظهور داشت. ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست و دوم بهمن، در روز قدس و در راه‌پیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد.^۱

۱. در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴/۱/۱



❖ زیارت اربعین از علائم ایمان و کنگره‌ای جهانی برای شیعیان

میدانید یکی از علائم ایمان زیارت اربعین^۱ است؟ بنده نمیدانم این روایت چقدر صحیح است، اصراری هم ندارم که بگویم معنای این روایت همین است که من گمان کرده‌ام، واقعه‌ش هم این است که احتمال میدهم معنایش یکی از شقوق و احتمالات دیگری باشد که در این زمینه بیان میشود؛ اما اگر این احتمال هم که من میگویم باشد، مؤید فراوانی دارد؛ «زیارة الاربعین».

شیعه یک جمع متفرقی بود؛ یک جامعه‌ای بود که در یک جا و در یک مکان زندگی نمیکرد؛ در مدینه بودند، در کوفه بودند، در بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند - اطراف و اکناف بلاد - اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای متشتت در جریان است؛ مثل دانه‌های تسبیح، یک رشته و یک نخ، همه‌ی اینها را به هم وصل میکرد. آن رشته چه بود؟ رشته‌ی اطاعت و فرمان‌بری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع یعنی امام؛ همه‌ی این رشته‌ها به آنجا متصل میشد؛ قلبی بود که به همه‌ی اعضا فرمان میداد؛ و به این ترتیب، تشیع یک سازمان و یک تشکیلات بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خیر نداشته باشند، اما بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. اطاعت و فرمان‌بری آنها به حساب، فریاد زدنشان از روی دستور، سکوتشان بر طبق نقشه، همه

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹

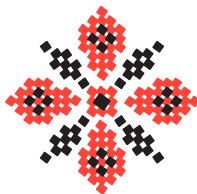
چیزشان با حساب. فقط یک عیبی کار آنها داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر میدیدند. اهل یک شهر و شیعیان یک منطقه، البته یکدیگر را میدیدند، اما یک کنگره‌ی جهانی لازم بود برای شیعیان روزگار ائمه علیهم‌السلام. این کنگره‌ی جهانی را معین کردند، وقتش را هم معین کردند؛ گفتند در این موعده معین، در آن کنگره هر کس بتواند شرکت کند. آن موعده، روز اربعین است؛ و جای شرکت، سرزمین کربلا است؛ چون روح شیعه روح کربلایی است، روح عاشورایی است؛ در کالبد شیعه تپش روز عاشورا مشهود است؛ شیعه هر جا که هست دنباله‌رو عاشورای حسین علیه‌السلام است. این است که می‌بینیم همه جا این تپش‌هایی که در شیعه مکشوف شده، از آن مرقد پاک ناشی است؛ اینها شعله‌هایی بوده که از آن روح مقدس و پاک و از آن تربت عالی مقدار سرکشیده؛ به جانها و روحها زده؛ انسانها را به گلوله‌های داغی تبدیل کرده و آنها را به قلب دشمن فرو برده...

اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره‌ی بین‌المللی، جهانی، در یک سرزمینی که خود آن سرزمین خاطره‌انگیز است؛ سرزمین خاطرها است؛ خاطره‌های باشکوه، خاطره‌های عظیم؛ سرزمین شهدا، مزار کشته‌شدگان راه خدا. اینجا جمع بشوند پیروان تشیع، و دست برادری و پیمان وفاداری هر چه بیشتر ببندند. این اربعین است...

♦ اربعین میعادگاهی برای یادآوری عاشورا

اجمالاً، یادآوری خاطره‌ی عاشورا و خاطره‌ی آن جهاد و ازخودگذشتگی و فداکاری عظیم، در روز اربعین انجام میگرفته؛ و در آن سرزمین. اگر امروز هم بتوانند شیعیان آن سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعادوی قرار بدهند، البته بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و هم دنباله‌گیری از راهی است که ائمه‌ی هدی علیه‌السلام به ما ارائه دادند!

۱. مسجد امام حسن علیه‌السلام، روز جمعه ۲۰ صفر سال ۱۳۹۴ هجری قمری ۱۳۵۲/۱۲/۲۴



❖ پیاده‌روی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ی اربعین، ترکیبی از عشق و ایمان

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده‌ی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای هم در این سالهای اخیر به وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌افتند و حرکت میکنند. این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه میکنیم به این حرکت، و غبطه میخوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند:

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم
بُعد منزل نبُود در سفر روحانی^۱

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام میدهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام میدهند. این یک شعار بزرگ است؛ «لَا تُحَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ»^۲؛ این بلاشک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این جور حرکتها عرض بکنیم که «يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَتَفَوَّرَ فَوْزًا عَظِيمًا»^۳. همان طور که عرض کردیم، این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد

۱. حافظ، غزل ۴۷۲؛ (با کمی اختلاف)

۲. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۲، ترجمه: «حرمت شعائر خدا را نگه دارید.»

۳. کامل‌الزیارات، ص ۳۸۳؛ بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۲۲۸؛ (با کمی اختلاف)

قلبی و باورهای راستین، تحریک‌کننده و عمل‌کننده است؛ هم عشق و محبت. تفکر اهل بیت و تفکر شیعی همین جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو. این آن چیزی است که در سایر فرق اسلامی، خلأ آن محسوس است؛ سعی هم میکنند گاهی به یک نحوی این خلأ را پُر کنند، [اما] نمیشود؛ چه کسی مثل خاندان پیغمبر - این عناصر برجسته، ممتاز، نورانی، ملکوتی - وجود دارد در بین معتقدات^۱ شعب دیگر اسلامی، که این جور مردم به آنها عشق بورزند، با آنها تعامل کنند، با آنها حرف بزنند، به آنها سلام کنند و از آنها ان شاء الله جواب بشنوند؛ چه کسی دیگر وجود دارد؟ این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل بیت؛ این زیارت ائمه علیهم السلام، این معاشقه‌ی معنوی با این بزرگواران، این زیارتهای سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ما است...

♦ مغتنم شمردن فرصت زیارت اربعین

به هر حال کار بسیار مهمی است، کار بزرگی است؛ این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت میکنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر، در این راه، پای پیاده حرکت میکنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت پذیرایی میکنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفق میشوند باید مغتنم بشمارند.

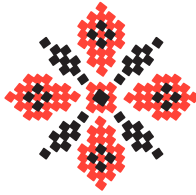
♦ لزوم رعایت قوانین کشور توسط زائران اربعین

البته این عرایض ما موجب نشود که بعضی‌ها خارج از مقررات بخواهند

۱. اعتقادات

بلند شوند راه بیفتند و حرکت کنند؛ نه، طبق همان مقرّراتی که دولت اسلامی معین کرده است؛ خب، دوستان ما در دولت نشسته اند فکر کرده اند، مقرّراتی و ضوابطی برای این کار در نظر گرفته اند، این ضوابط حتماً مراعات بشود؛ جوری نباشد که کسانی خارج از این ضوابط بگویند «برویم همین طور حرکت کنیم، سر به بیابان بگذاریم - مثلاً - برویم»؛ این جوری مطلوب نیست؛ این ضوابط را حتماً بایستی رعایت کنند. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.^۱

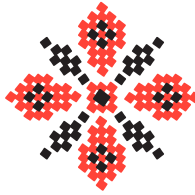
۱. در ابتدای درس خارج فقه درباره‌ی پیاده روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹



❖ لزوم حفظ شور و شوق حرکت عظیم اربعین

خب امسال، این روزها مصادف شده با ایام اربعین. این راه‌پیمایی را می‌بینید؟ این حرکت عظیم میلیونی بین نجف و کربلا را، بین نجف و امام حسین علیه السلام را مشاهده می‌کنید؟ این شور و شوق را می‌بینید؟ این حرکت را می‌بینید؟ این حرکت آن وقتی که لازم باشد با خطر همراه بشود، باز هم این شور و شوق در ملت ما، در مردم ما، در جوانهای ما وجود دارد؛ این را باید نگه داشت، این آن چیزی است که ضامن بقای این کشور است.^۱

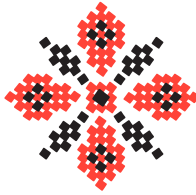
۱. در دیدار مردم اصفهان ۱۳۹۵/۸/۲۶



❖ مشهود بودن دست قدرت خدا، در پدیده‌ی عظیم پیاده‌روی اربعین

معمولاً در این جور پدیده‌هایی [مانند پیاده‌روی اربعین] که انسان مشاهده میکند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بروز میکند، دست خدایی مشهودتر از همه جای دیگر است... شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام میگیرد، آخرش هم نمیشود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن - بلند میشوند میروند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه‌ی الهی است، این یک پدیده‌ی الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا؛ «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ»؛ این حب و این عشق، عشق همراه با بصیرت است؛ میداند، میفهمد و این جاذبه او را میکشد، این مغناطیس او را میکشد. خب، بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده‌ی عظیمی است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۴۹ (با کمی اختلاف)



❖ غبطه به حال زوّار اربعین و تشکر از مردم عراق

من اولاً به کسانی که موفق شدند و رفتند، خوشامد عرض میکنم و قبول الهی را برای کارشان درخواست میکنم و غبطه‌ی خودم را نسبت به کار آنها - که ما محروم بودیم، آنها موفق شدند - عرض میکنم. از مردم عراق که پذیرایی کردند، محبت کردند، این جمعیت عظیم را توانستند ظرف چند روز اداره کنند، تشکر میکنم. حادثه، حادثه‌ی فوق‌العاده مهمی است... .

❖ راه‌های شکرگزاری بابت راه‌پیمایی اربعین

این حادثه‌ی راه‌پیمایی را شکر کنید. شکرش از جمله به این است که آن روحیات را، آن حالات را - که در این دو سه روزی که مشغول راه‌پیمایی بودید، آنجا مشاهده کردید یا احساس کردید - در خودتان نگه دارید؛ آن برادری را، آن مهربانی را، آن توجه به ولایت را، آن آماده شدن بدن برای تعب کشیدن را، آن ترجیح دادن زحمت کشیدن و عرق ریختن و راه رفتن بر راحتی و تنبلی را. در همه‌ی امور زندگی باید این را دنبال کرد؛ این میشود شکر.

از جمله‌ی شاخه‌های شکر، یکی این است که این کار را برای کسانی که عاشق این کارند، آسان کنیم که مسئولیت این به عهده‌ی مسئولان بخشهای مختلف کشور است. گاهی حوادثی پیش می‌آید؛

نگذارند این حوادث [تکرار شود]، پیشگیری کنند؛ این هم جزو شکر است.

❖ ادامه دادن حرکت اربعین؛ عامل آشکار شدن حقیقت آن

به هر حال این نعمت را قدر بدانیم، نعمت بزرگی است. و این ان شاء الله یک نعمت پایدار خواهد بود و برای ملت ایران و ملت عراق، مایه‌ی عزت و سربلندی و افتخار خواهد بود. حالا در دنیا سعی میکنند که نگذارند این نورافکن قوی [حادثه‌ی راه‌پیمایی اربعین] دیده بشود، لکن نمیتوانند، دیده خواهد شد؛ سعی میکنند دیده نشود یا تحریفش کنند، [اما] هیچ کدام به جایی نمیرسد؛ وقتی ادامه دادید حرکت را، ناچار، حقیقت خود را آشکار خواهد کرد!



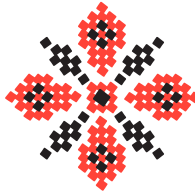
هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



❖ راه‌پیمایی اربعین، متعلق به سلائیق گوناگون

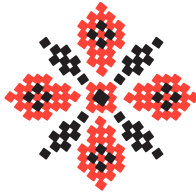
نه راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است و نه جلسات محرم و ماه رمضان و اعتکاف و راه‌پیمایی اربعین مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است، [بلکه] مربوط به همه‌ی ملت ایران و مربوط به همه‌ی سلائیق گوناگون کشور است.^۱

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱



❖ نمود داشتن عشق و معرفت به امام حسین علیه السلام؛ افتخاری برای ملت ما خوشبختانه عشق و ارادت ملت ما به حضرت ابی عبدالله علیه السلام کاملاً مشخص و بارز است؛ هم در این ایام به مناسبت میلاد، هم به مناسبت شهادت، هم به مناسبت اربعین، مردم واقعاً اظهار ارادت میکنند به ساحت سیدالشهدا علیه السلام؛ این برای ما افتخار است؛ برای ملت ما این معرفت، این محبت، افتخار است.^۱

۱. در دیدار کارگران ۱۳۹۶/۲/۱۰



❖ حرکت عظیم اربعین نمادی از حضور پیروان و علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم‌السلام

ایام اربعین است و خوشا به حال آن کسانی که در حال پیاده‌روی هستند یا پیاده‌روی خواهند کرد و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش‌مضمون روز اربعین را ان‌شاءالله خطاب به حضرت خواهند خواند. ما هم اینجا با شوق و با حسرت نگاه میکنیم به این گامهایی که:

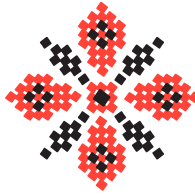
هزاران گام در راه است و دل مشتاق و من حیران

که چون ره میتوانم یافتن سوی درون من هم

الحمدلله جوانهای ما راه را پیدا کردند و میلیون‌ها نفر از مردم ما و مردم غیر ما، مردم عراق و دیگران، در این راه حرکت میکنند؛ این هم یکی از حوادث بسیار برجسته‌ای است که خدای متعال منت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است؛ این شد یک نماد.

همیشه اربعین پیاده‌روی بود اما این حرکت عظیم که یک نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان اهل بیت و علاقه‌مندان به اهل بیت هست، این نبود، ما این را نداشتیم، این را خدای متعال در اختیار ما گذاشت؛ خدا را بایستی شاکر باشیم.^۱

۱. در درس خارج فقه ۱۳۹۶/۸/۱۵



❖ راه‌پیمایی عظیم اربعین، پدیده‌ای الهی و غیر قابل تفسیر

امروز شما ملاحظه کنید، روح مبارزه، روح مجاهدت، روح آمادگی برای شهادت، در همه‌ی دنیای اسلام به نحوی گسترده است؛ یک جاهایی شدیدتر است، یک جاهایی کمتر است. یک نمونه همین راه‌پیمایی عظیم اربعین است؛ این واقعاً یک پدیده است، یک پدیده‌ی الهی است، یک پدیده‌ی معنوی است. حقیقتاً قابل توصیف نیست؛ مثل خیلی از این پدیده‌های مهمّ الهی، درست قابل تفسیر هم نیست؛ یعنی نمیشود این حادثه را تحلیل کرد. این جور این جمعیت عظیم میلیونی راه بیفتند، در ظرف چند سال این تحقق پیدا کند، شکل پیدا کند! بله، در گذشته راه‌پیمایی بود، اما این خبرها نبود. ما اطلاع داریم که در ایام مختلف، چه اربعین، چه غیر اربعین - در خصوص اربعین یا بعضی اوقات دیگر - طلاب از نجف و جاهای مختلف عراق حرکت میکردند میرفتند، جمعیت‌های فراوانی هم بودند.

❖ پدیده‌ی عظیم اربعین، نشانه‌ی آمادگی عمومی برای مبارزه‌ی در راه خدا

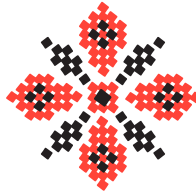
اما این جمعیت عظیم میلیونی از جاهای مختلف دنیا - چند میلیون از ایران و میلیون‌ها از خود عراق و از کشورهای دیگر - این حرکت عظیم، با وجود تهدیدهای تروریستی‌ای که همیشه وجود داشته و امروز هم وجود دارد، یک پدیده‌ی فوق‌العاده عظیمی است؛ خیلی مهم است. این

نشان‌دهنده‌ی اوج گرفتن همین تفکر مبارزه‌ی در راه خدا و در راه اسلام و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است و امیدواریم که خداوند متعال برکت بدهد به این حرکتها و برکت بدهد به مردم.

❖ تشکر از دولت، ملت، مسئولان و نیروهای مردمی عراق برای برگزاری مراسم اربعین

ما البتّه اینجا به مناسبت اینکه یادی از راه‌پیمایی اربعین شد، ضمن دعا و آرزوی قبولی این حرکت، از همه‌ی کسانی که امسال در این راه‌پیمایی شرکت کردند تشکر میکنیم؛ لازم میدانیم از دولت عراق که وسایل را فراهم کرد برای اینکه این امر تحقق پیدا بکند تشکر کنیم؛ لازم میدانیم از ملت عزیز عراق که در این روزها - در این یک هفته یا بیشتر - خود را موظف دانستند که از راه‌پیمایان و زوّار اباعبدالله علیه السلام این جور پذیرایی مخلصانه و شادمانانه بکنند، واقعاً و قلباً تشکر بکنیم و از خداوند متعال جزای خیر را برای آنها بخواهیم؛ لازم است از جوانان مبارز عراقی، از حشدالشّعبی و دیگر کسانی که در امنیت این مراسم دخیل بودند و توانستند امنیت این زوّار را حفظ بکنند تشکر کنیم؛ لازم است از مسئولان عتبات نجف و حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام در کربلا و حضرت ابوالفضل در کربلا که وسایلی را برای مردم فراهم کردند تشکر بکنیم. و امیدواریم که خدای متعال، هم به آنها و هم به این حرکت عظیم و به همه‌ی دست‌اندرکاران این حرکت، برکت بدهد و لطف کند و حمایت کند تا بتوانند این کار را ان‌شاءالله با بهترین وجهی ادامه بدهند.^۱

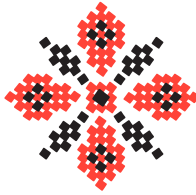
۱. در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی شهدا و ایثارگران روحانی استان قم ۱۳۹۶/۸/۲۲



✦ حماسه‌ی اربعین، پاسخی به نهایت نیاز دنیای اسلام

اربعین هم در پیش است. ملت ما، ملت عراق، مردمان زیادی از ملت‌های دیگر در تدارک حماسه‌ی بزرگ اربعینند. حماسه‌ی اربعین یک پدیده‌ی فوق‌العاده‌ای است که به لطف و فضل الهی در هنگامی که دنیای اسلام نهایت نیاز را به این چنین حماسه‌ای دارد، به وجود آمده است.^۱

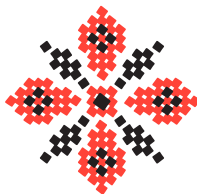
۱. در همایش ده‌ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲



❖ شوکت پیاده‌روی اربعین به برکت خون شهدا و مدافعان حرم

حرکت این شهدای شما که در این برهه در خارج از کشور به شهادت رسیدند، در واقع شبیه حرکت آن کسانی است که با جانِ خودشان توانستند قبر حضرت اباعبدالله علیه السلام را حفظ کنند. یک روزی بود که خلفای بنی‌عبّاس همت گماشته بودند که قبر مطهر حضرت اباعبدالله علیه السلام و لابد به تبع آن، بقیه‌ی قبور مطهره را از بین ببرند؛ یک عده‌ای با جانِ خودشان نگذاشتند؛ یعنی [آنها] گفتند اگر بیایید، دستتان را قطع میکنیم، پایتان را قطع میکنیم، شما را به قتل میرسانیم؛ در عین حال [اینها] رفتند. همان رفتن‌ها بود که حالا رسیده به بیست میلیون زائر پیاده‌ی اربعین. اگر آنجا کسانی فداکاری نمی‌کردند، امروز شوکت و هیمنه‌ی محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام این جور دنیا را فرا نمی‌گرفت؛ که شما می‌بینید در راه‌پیمایی اربعین از کشورهای مختلف - از فارس و ترک و اردو و کشورهای اروپایی و حتی از آمریکا - افرادی بلند میشوند می‌آیند آنجا؛ این [کار] را چه کسی کرد؟ این خشت اول و اصلی این کار را همان کسانی گذاشتند که در واقع جانشان را برای زیارت قبر اباعبدالله علیه السلام فدا کردند.^۱

۱. در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۷/۳۰



❖ تبریک به زائران اربعین و تشکر از ملت، دولت و صاحب نظران کشور عراق

امسال ایام اربعین با ایام مربوط به سیزدهم آبان منطبق بر هم و مصادف با هم شدند. یک جمله راجع به اربعین عرض بکنم؛ اولاً به کسانی که توفیق پیدا کردند و امسال هم این سفر را با شور و عشق و اخلاص پیمودند و این راه را پیمودند و این سفر را رفتند، تبریک عرض میکنیم؛ توفیق بزرگی است؛ خوشا به حالتان. ان شاء الله که این فیض شامل حال همه‌ی کسانی که دوست میدارند و علاقه‌ی به این راه دارند بشود.

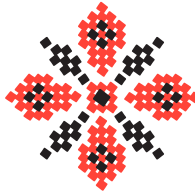
ثانیاً از مردم عراق، ملت عراق، دولت عراق، شخصیت‌های صاحب نظر و سیاسی عراق که در این راه کمک کردند و انصافاً تلاش کردند، تسهیل کردند این حرکت را برای ملت خودشان و برای ملت‌هایی که از کشورهای دیگر میرفتند - بخصوص از کشور ما که ظاهراً بیش از دو میلیون جمعیت رفتند - از آنها هم من صمیمانه تشکر میکنم. از همه‌ی کسانی که مهمان داری کردند، پذیرایی کردند، محبت کردند - از همه‌ی برادران عراقی عزیز - من سپاسگزاری میکنم؛ کار بزرگی انجام دادند.

❖ اربعین، پدیده‌ای توصیف‌ناپذیر، بی‌نظیر و غیر قابل تحلیل برای غربی‌ها

پدیده‌ی اربعین یک پدیده‌ی غیر قابل توصیفی است، اصلاً بی‌نظیر است؛ یک رزمایش عظیم و شگفتی‌ساز است این حرکت فوق‌العاده؛ و همین‌طور که مکرر در این روزها گفته شد، در دنیا دیگر نظیری ندارد.

غربی‌ها هم نمیتوانند درک کنند این حرکت را که یعنی چه، چطور میشود؟ لذا شما می‌بینید دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان اوّلاً چند سال سکوت میکنند، «توطئه‌ی سکوت»؛ [در حالی که] کمترین حرکتی را در هر جای دنیا اینها منعکس میکنند، چند سال اینها اصلاً اسم این حرکت عظیم مردمی را نیاوردند، اشاره‌ای به آن نکردند، تصویری از آن منتشر نکردند، و امسال هم که یک مقداری [به آن] پرداختند، تحلیلهای خصمانه، تحلیلهای غلط کردند که از نظر مؤمنان به این راه، تحلیلهای بلاهت‌آمیزی است. امثال این رادیوی انگلیس و امثال اینها تحلیل خصمانه کردند. این نشان‌دهنده‌ی این است که فوران این سرچشمه‌ی فیاض، بشدّت آنها را دستپاچه کرده، نمیتواند تحلیلش کنند. گاهی گفتند این را دستهای دولتی به راه انداختند! کدام دولتی میتواند ده میلیون، پانزده میلیون انسان را - مرد، زن، پیر، جوان، قشرهای مختلف - راه بیندازد، حدّ اقل هشتاد کیلومتر پیاده اینها را از یک شهر به یک شهر دیگر بکشاند؟ کدام دولتی میتواند این کار را بکند؟ حالا اگر فرض کنیم به فرض محال، دولت جمهوری اسلامی و دولت عراق هم توانسته‌اند این کار را بکنند، خودش یک معجزه‌ی دولتی است؛ خب شما هم بکنید اگر میتوانید! اگر بلدید، شما هم این کار را راه بیندازید؛ نه، جز عشق، جز ایمان، جز جوشندگی خون شهیدان و الامقام، هیچ عاملی قادر نیست این حرکت را انجام بدهد. کار بزرگی انجام گرفته است؛ روزه روز هم بهتر، قوی‌تر، پخته‌تر و جاافتاده‌تر میشود، هر سالی از سال قبل بهتر میشود؛ ان شاء الله بعد از این هم ادامه خواهد داشت. و غربی‌ها هم مجبورند تماشا کنند و نتوانند تحلیل کنند، نتوانند بفهمند و ضربه‌ی این حرکت را هم خواهند خورد.^۱

۱. در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲



❖ لزوم پرداختن به مسئله‌ی اربعین در سریالها

در سریالها به مسائل ملی بپردازید؛ از شهدای عزیز، از دفاع مقدس، از انقلاب، از سبک زندگی اسلامی، از انگیزه‌های ایمانی ملت و مظاهر آن، از ایستادگی‌شان در برابر ابرجنایت‌کاران و مفسدان عالم، از راه‌پیمایی اربعین و و... بگویید.^۱

۱. یادداشت پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان سیما ۱۳۹۷/۸/۲۵



❖ پیاده‌روی اربعین؛ موهبتی الهی

اینهایی که می‌روند این راه را پیاده طی میکنند و می‌رسانند خودشان را به آنجا در این پیاده‌روی اربعین - این حادثه‌ی عجیبی که این سالها پدید آمده است - واقعاً یک موهبت بزرگ الهی را خدای متعال در اختیار اینها گذاشته!^۱

۱. شرح حدیثی از امام صادق علیه السلام، درباره‌ی زیارت امام حسین علیه السلام ۱۳۹۸/۷/۱



❖ لزوم تبعیت از دستورات ستاد ملی کرونا در بحث زیارت اربعین

حالا بحث اربعین پیش آمده، بعضی‌ها خب عاشق امام حسین علیه السلام هستند، عاشق اربعینند؛ [خب] معلوم است، همه‌ی ما [هستیم]؛ حالا خیلی از شماها که خودتان رفته‌اید، بنده که محروم بودم و مشتاق هم بودم - گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم -^۱ اما خب رفتن برای راه‌پیمایی اربعین، فقط متوقف به صلاحدید مسئولان ستاد ملی مربوط به کرونا است. اگر گفتند نه - که تا الان گفتند نه - باید همه تابع باشند، همه باید تسلیم باشند. اینکه مثلاً فرض کنید ما بلند شویم برویم لب مرز اظهار ارادت به حضرت بکنیم، نه [نمیشود]؛ از داخل خانه اظهار ارادت کنیم. دو سه زیارت مهم روز اربعین وارد است؛ روز اربعین، همه‌ی مردم بنشینند زیارت اربعین را با حال، با توجه بخوانند و شکوه کنند پیش امام حسین علیه السلام و بگویند یا سیدالشهدا علیه السلام، ما دلمان می‌خواست بیاییم، نشد، وضع این جور است؛ تا یک نظری بکنند، یک کمکی بکنند.^۲

۱. برگرفته از بیت «گرچه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم» حافظ، غزل ۴۷۲
۲. در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آیین تجلیل از پیش‌کسوتان دفاع مقدس

♦ تشکر از موکب داران اربعین و ملت، دولت، علما و مراجع عراق

اولین کلمه تشکر است؛ از صمیم قلب، خودم و از طرف ملت بزرگ ایران تشکر میکنم؛ هم از شما موکب داران که در ایام اربعین کرامت را و رحمت و مودت را به منتهدارجه رسانده‌اید، هم از همه‌ی ملت بزرگ عراق و هم از مسئولین در دولت عراق که امنیت را و فضا را و زمینه را فراهم کرده‌اند، هم بخصوص از علمای بزرگوار و مراجع عظام عراق که فضای زیارت را، فضای برادری بین آحاد مردم و بین دو ملت را فراهم کرده‌اند؛ حقیقتاً جای تشکر دارد. آنچه برای ما نقل میشود از رفتار شما برادران عزیز عراقی در مواکب میان راه و رفتار کریمانه‌ی شما با زائران حسینی، چیزهایی است که نظیر ندارد؛ در دنیای امروز این چیزها نظیر ندارد. همچنان که خود راه‌پیمایی اربعین در تاریخ نظیر ندارد، رفتار کریمانه‌ی شما هم حقیقتاً نظیر و شبیهی ندارد. شما کرامت اسلامی و کرامت عربی را در رفتار خودتان و اعمال خودتان نشان داده‌اید و همه به عشق سیدالشهدا علیه السلام است، به عشق حسین بن علی علیه السلام است؛ از روی عشق و علاقه‌ای که به امام حسین علیه السلام دارید، پای زائر امام حسین علیه السلام را شستشو میدهید، بدن او را در خستگی‌های شدید کمک میکنید، مالش میدهید، به او غذا میدهید، به او جای خواب میدهید، چون زائر حسین علیه السلام است. این عشق به حسین بن علی علیه السلام یک امر استثنائی است؛ شبیه این را در هیچ جا، در هیچ زمان سراغ نداشتیم و نداریم. و امیدواریم خداوند متعال این عشق را در دل‌های شما، در دل‌های ما روزبه‌روز افزایش بدهد.

♦ قدردانی از نعمت الهی خدمت به مهمانان امام حسین علیه السلام

البته این توفیقی که شما در این زمینه پیدا کرده‌اید هم یک رحمتی از سوی پروردگار است به شما؛ این توفیقی که شما به دست آورده‌اید برای پذیرایی از مهمانان امام حسین علیه السلام، خیلی چیز باارزشی است؛ این

نعمت الهی است، این رحمت الهی است، این را هم باید قدر دانست و میدانیم که شماها قدر میدانید.

✦ نقش راه‌پیمایی بی‌نظیر اربعین در گسترش معرفت به امام حسین (ع)

مطلب دهم در مورد اصل این راه‌پیمایی اربعین است که حقیقتاً یک حادثه‌ی بی‌نظیری است؛ ما نه فقط در دوران خودمان در دنیا، بلکه در تاریخ هم سراغ نداریم یک چنین اجتماعی، یک چنین حرکتی را هر سال، و هر سال گرم‌تر از سال قبل اتفاق بیفتد؛ بی‌نظیر است. این حرکت حسینی در گسترش معرفت به امام حسین (ع) نقش دارد. اربعین با این حرکتی که عمدتاً بین نجف و کربلا در راه‌پیمایی هر سال به وجود می‌آید بین‌المللی شد؛ چشمهای مردم دنیا به این حرکت دوخته شد؛ امام حسین (ع) و معرفت حسینی به برکت این حرکت عظیم مردمی بین‌المللی شد، جهانی شد... .

✦ حرکت عظیم اربعین؛ پیام‌آور منطق امام حسین در دفاع از حق و مقابله با ظلم

منطق حسین بن علی (ع)، منطق دفاع از حق است، منطق ایستادگی در مقابل ظلم و طغیان و گمراهی و استکبار است. این منطق امام حسین (ع) است؛ امروز دنیا به این منطق نیازمند است؛ امروز دنیا شاهد حاکمیت کفر و استکبار و حاکمیت فساد است، دنیا شاهد حاکمیت ظلم است؛ این پیام امام حسین (ع)، پیام نجات دنیا است؛ حرکت عظیم اربعین این پیام را در دنیا منتشر میکند و به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی و به توفیق الهی، این حرکت بایستی روزه‌روز تقویت بشود.

✦ اربعین؛ آیت عظمای الهی و نشانه‌ی اراده‌ی خداوند بر نصرت امت اسلامی

اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی (ع) است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزه‌روز تازه‌تر میشود، روزه‌روز

زنده‌تر میشود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم اباعبدالله علیه السلام و حلقوم زینب کبری علیها السلام در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرا میگیرد. حسین علیه السلام متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار میکنیم که پیرو امام حسین علیه السلام هستیم، اما امام حسین علیه السلام فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام حسین علیه السلام هستند. در این راه‌پیمایی عظیم حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند شرکت میکنند و این رشته ادامه خواهد داشت ان شاء الله؛ این یک آیت عظمایی است که خدای متعال دارد نشان میدهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار میکنند، خداوند متعال ناگهان حادثه‌ی راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت میدهد، این جور جلوه میدهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه‌ی اراده‌ی الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان میدهد که اراده‌ی خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.

❖ لزوم استفاده از ظرفیت مراسم اربعین برای ایجاد تمدن اسلامی

مطلب سوم که به شما برادران عزیز عرض میکنم این است که این مراسم را هر چه میتوانید و هر چه میتوانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزه‌روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند. امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را میخواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیتهای عظیمی دارند که اگر از این ظرفیتهای استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است.

امروز بحمدالله ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند. ملت عراق یک ملت

بزرگ است، یک مَلّت باعزّت است، یک مَلّت با فرهنگ است، یک مَلّت با عزم و اراده است. جوانهای عراقی در این قضایای چند سال اخیر نشان دادند که این قدرت را دارند که از مَلتشان و از کشورشان در مقابل توطئه‌های جهانی محافظت کنند؛ این خیلی باارزش است. جوانهای عراقی توانستند بزرگ‌ترین توطئه‌ی داخلی را که می‌توانست به جنگ داخلی منتهی بشود، در عراق از بین ببرند و نابود کنند. توطئه‌ی داعش و تکفیری‌ها، توطئه‌ی کوچکی نبود؛ پولها خرج کرده بودند، برنامه‌ها ریخته بودند برای اینکه عراق را که یک کشور اصلی عربی و اسلامی است، تبدیل کنند به میدان جنگ داخلی، و شیعه و سنی را به جان هم بیندازند؛ جوانهای عراقی با فتوای مرجعیت معظّم عراق توانستند سینه سپر کنند و این توطئه را خنثی کنند؛ این کار کمی نبود، کار کوچکی نبود. مَلّت بزرگ عراق می‌تواند کشور خود را به اوج عزّت برساند؛ این ظرفیتها بایستی به منصّه‌ی عمل و ظهور برسند. اگر ظرفیتهای کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیتها به هم برسند، این دستها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزّت الهی یعنی چه؛ تمدّن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راه‌پیمایی اربعین می‌تواند یک وسیله‌ی گویایی برای تحقّق این هدف باشد.

❖ لزوم تقویت پیوند همه‌ی مسلمانان با یکدیگر در راه‌پیمایی اربعین

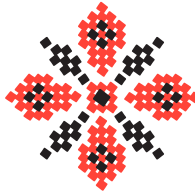
از ده‌ها کشور در راه‌پیمایی اربعین شرکت میکنند و مهمان مردم عراق میشوند، سعی کنیم در این راه‌پیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم؛ پیوند بین عراقی و غیر عراقی، پیوند بین شیعه و سنی، پیوند بین عرب و فارس و تُرک و کُرد؛ این پیوندها

مایه‌ی سعادت است، این پیوندها آیت رحمت پروردگار است. دشمن سعی در تفرقه دارد که نتوانسته است و به حول و قوه‌ی الهی نخواهد توانست. ما - ایران و عراق - دو ملت هستیم متصل به یکدیگر؛ تن‌های ما، دل‌های ما، جانهای ما به یکدیگر متصل است؛ آنچه این اتصال را ایجاد کرده است، ایمان بالله و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام است، محبت به حسین بن علی علیه‌السلام است؛ روزه‌روز هم این زیاد خواهد شد ان شاء الله... .

♦ قدردانی از زحمات مردم عراق در پذیرایی از زائران اربعین

من مجدداً تشکرات خودم را عرض میکنم و به شما عرض میکنم ملت ایران با همه‌ی وجود از شما برادران عزیز عراقی متشکر است، بخصوص از شما صاحبان مواکب اربعینی؛ ما از صمیم قلب از شماها متشکریم و این مصرع متنبتی^۱ را به یاد می‌آوریم که «إِذَا أَنْتَ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ مَلَكْتَهُ»^{۲، ۳}

۱. ابوالطیب احمد بن حسین جعفری کندی کوفی متنبتی از شاعران و حکمای بزرگ و معروف قرن چهارم (۳۰۳-۳۵۴ ه.ق) بود؛ ر.ک: جواهر الأدب فی أدبیات، ج ۲، ص ۱۷
 ۲. دیوان المتنبتی، ص ۳۷۲؛ «اگر شخص کریم را اکرام و احترام کنی، مالک او میشوی.»
 ۳. در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷



❖ راه‌پیمایی اربعین؛ قوت اسلام و جبهه‌ی مقاومت اسلامی

یکی از مصادیق قوت را امروز دنیای اسلام دارد مشاهده میکند و آن، راه‌پیمایی اربعین است؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱. راه‌پیمایی اربعین قوت اسلام است، قوت حقیقت است، قوت جبهه‌ی مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتند به سمت کربلا، به سمت حسین علیه السلام، به سمت قلّه و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه‌ی آزادگان عالم باید از او درس بگیرند.

❖ اربعین؛ رسانه‌ی پر قدرت عاشورا

از روز اول هم که اربعینی به وجود آمد، اهمّیت اولین اربعین به همین اندازه بود. اهمّیت اربعین اول این بود که رسانه‌ی پر قدرت عاشورا است. از روز عاشورا تا روز اربعین - بنا بر یک روایت روزی است که اهل بیت برگشتند به کربلا^۲ - این چهل روز، چهل روز فرمانروایی منطقی حق در میان دنیای ظلمانی حاکمیت بنی‌امیه و سفیانی‌ها بود. رسانه‌ی حقیقی [یعنی] فریاد زینب کبری علیها السلام، فریاد حضرت سجاد علیه السلام؛ در کجا؟ در کوفه، در شام، در آنجایی که ظلمات محض بود؛ اینها بزرگ‌ترین

۱. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰، ترجمه: «و هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید.»

۲. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۲

رسانه بود. همینها بود که عاشورا را نگه داشت، همینها بود که عاشورا را به امروز رساند. تاریخ و ریشه‌ی این روز اربعین و ماجرای اربعین این است. آن روز اهل بیت علیهم‌السلام طوفانی به پا کردند با این حرکت چهل‌روزه؛ یک طوفان به پا شد در آن اختناق عجیب. در آن روزگار، اختناق این قدر است که دور و بر امام حسین علیه‌السلام، فرزند پیغمبر، نوه‌ی پیغمبر، جگرگوشه‌ی زهرای اطهر، ۷۲ نفر بیشتر باقی نمی‌مانند.^۱ در یک چنین روزگاری، ماجرای توأبین^۲ را در کوفه به وجود آورد، مدینه را منقلب کرد، شام را منقلب کرد، به طوری که رژیم سفیانی برافتاد؛ این حرکت عظیم اربعینی زینب کبری علیها‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام بود.

♦ لزوم عمق بخشی بیشتر به رسانه‌ی بی‌همتای اربعین

امروز هم همین اتفاق دارد در دنیا می‌افتد. امروز هم در دنیای پیچیده‌ی پُرتبلیغات و پُرهیاهویی که بر بشریت حاکم است، این حرکت اربعین، یک فریاد رسا و یک رسانه‌ی بی‌همتا است. چنین چیزی وجود ندارد دیگر در دنیا؛ اینکه میلیون‌ها انسان راه می‌افتند، نه فقط از یک شهر یا یک کشور [بلکه] از کشورهای مختلف، و نه فقط از یک فرقه‌ی اسلامی [بلکه] فرقه‌ی مختلف اسلامی و حتی بعضی ادیان غیر اسلامی. این وحدت حسینی [است]. شما بدرستی گفتید: «الْحُسَيْنُ يَجْمَعُنَا»، حقیقتاً این جور است؛ حسین اجتماع عظیمی را درست میکند. این دلها با هزاران گام در راه است، همه حرکت میکنند، همه راه می‌افتند به سمت آن معدن و سرچشمه‌ی معنویت و آزادگی، و این را به رخ دنیای مادّی امروز میکشند. و این ان‌شاء‌الله روزبه‌روز بایستی حرکت بیشتری بکند و گسترش بیشتری پیدا کند، و البته عمق بیشتری هم پیدا کند.

۱. أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۵؛ تاج الموالید، ص ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷

۲. الطبقات الكبرى، خامسة ۱، ص ۵۰۹-۵۱۰

خوشبختانه امروز کارهایی که ما داریم و مجالس عزاداری ما برای امام حسین علیه السلام از لحاظ معنویت، از لحاظ گسترش فکر و پراکندن معارف اسلامی، عمق بیشتری دارد از پنجاه سال قبل مثلاً یا چهل سال قبل. قضیه‌ی اربعین هم همین جور است؛ روزه روز ان شاء الله بایستی عمق بیشتری پیدا کند. اصحاب حکمت و علم بایستی در این زمینه‌ها فکر کنند، کار کنند و ان شاء الله تلاش کنند.^۱

♦ اهمّیت و آثار فاصله‌ی زمانی عاشورا تا اربعین

این چهل روزی که از عاشورا تا اربعین اتفاق افتاده، یکی از مقاطع بسیار مهمّ تاریخ اسلام است. روز عاشورا در اوج اهمّیت است و این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی تلو روز عاشورا است. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری - فدا کردن جان، فدا کردن عزیزان، فرزندان و یاران - است، این چهل روز، اوج مجاهدت همراه با تبیین، همراه با افشاگری، همراه با توضیح [است]. اگر این چهل روز نمیبود، اگر حرکت عظیم زینب کبری علیها السلام و جناب امّ کلثوم و حضرت سجاد علیه السلام نمیبود، شاید آن فقره‌ی «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ»^۲ اتفاق نمی افتاد. این حرکت عظیم، این صبر فوق العاده‌ی خاندان پیغمبر به پیشوایی زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام بود که توانست حادثه‌ی کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود....

♦ عظمت اربعین در گرو جهاد تبیین حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام

به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهّز کنید و در این میدان وارد بشوید:

۱. در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام ۱۳۹۸/۷/۲۱

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱

در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبری علیها السلام در این چهل روز انجام داد. عظمت این چهل روز به خاطر کاری است که این بزرگوار و حضرت سجّاد علیه السلام و بقیّه‌ای که اطراف اینها [بودند] انجام دادند و سختی‌ها را تحمّل کردند، و [اگر بخواهیم] با زبان روضه‌خوانی حرف بزنیم، در واقع در روز اربعین، زینب کبری علیها السلام آمد گزارش کار به امام حسین علیه السلام داد که این کارها را کردیم، این جور رفتیم، این جور تحمّل کردیم و این جور بیان کردیم و تبیین کردیم.^۱



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

۱. در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۷/۵

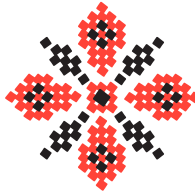
فصل سوم

شرح زیارت اربعین

الحسین



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی



❖ هدف و فلسفه‌ی قیام

در زیارتی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام که در روز اربعین خوانده میشود، جمله‌ای بسیار پرمعنا وجود دارد و آن این است: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»^۱.

فلسفه‌ی فداکاری حسین بن علی علیه السلام در این جمله گنجانده شده است. زائر به خدای متعال عرض میکند که این بنده‌ی تو، این حسین تو، خون خود را نثار کرد تا مردم را از جهالت نجات بدهد. «وَ حَيْرَةَ الصَّلَاةِ»^۲؛ مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گمراهی است، نجات بدهد. ببینید این جمله چقدر پرمغز و دارای چه مفهوم مترقی و پیشرفته‌ای است.

مسئله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطانها است. همیشه شیطانهای بزرگ و کوچک، برای تأمین هدفهای خود، انسانها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی میکنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده‌اید و شرح حال سلاطین جابر و ستمگر و رفتار آنها با ملت‌ها و وضع امروز دنیا و روش قدرتهای بزرگ را دیده‌اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه‌ی شیطانها قرار میگیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان

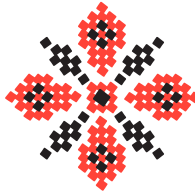
۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱

۲. همان

خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.

چه کسی میتواند این دست نجات را به سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده‌ی به مطامع و هوسها و شهوات باشند، نمیتوانند؛ چون خودشان گمراهند. آن کسانی که اسیر خودخواهی‌ها و منیتهای باشند، نمیتوانند بشر را نجات بدهند؛ باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد؛ یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید تا اراده‌ی آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی میتواند بشر را نجات بدهد که دارای گذشت باشد؛ بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد؛ از منیت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوا و حسد و بخل و بقیه‌ی گرفتاری‌هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاید تا بتواند شمعی فرا راه بشر روشن کند.^۱

۱. در دیدار فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت معلّم، و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور ۱۳۶۹/۶/۲۱



❖ شرح بخشی از زیارت اربعین

یک جمله در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارتها و دعاها، بسیار پرمغز و درخور تأمل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه‌ی اوّل قدری پیرامون همین جمله، که ناظر به جهت قیام حسینی است، عرایضی عرض میکنیم. آن جمله این است: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ».

این زیارت اربعین است؛ منتها فقره‌های اوّل آن، دعا است که گوینده‌ی این جملات خطاب به خداوند متعال عرض میکند: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ»؛ یعنی حسین بن علی علیه السلام، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «وَحَيْرَةَ الصَّلَاةِ»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

این یک طرف قضیّه؛ یعنی طرف قیام‌کننده، حسین بن علی علیه السلام است. طرف دیگر قضیّه، در فقره‌ی بعدی معرفی میشود: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ عَزَّتِهِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»^۲؛ نقطه‌ی مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی‌خودشان کرده بود؛ «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود

۱. مصباح‌المتهجّد، ص ۷۸۸؛ بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱

۲. همان

قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنائی فروخته بودند. این، خلاصه‌ی نهضت حسینی است.

با مدافعه در این بیان، انسان احساس میکند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان‌دهنده‌ی ابعاد عظیم این نهضت است.

یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی علیه السلام است، که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر - یعنی حکومت یزید - است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگ‌تری است که نگاه دوم، انسان را به آن میرساند، و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است.

در حقیقت، امام حسین علیه السلام اگرچه با یزید مبارزه میکند، اما مبارزه‌ی گسترده‌ی تاریخی وی با یزید کوتاه‌عمر^۱ بی‌ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین علیه السلام با اینها مبارزه میکند....

♦ خلاصه‌ی نهضت حسینی

اگر بخواهیم ماجرای امام حسین علیه السلام را در سطوری خلاصه کنیم، این طور میشود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است - چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز - حکومت اشرافیگری و حکومت غیر مردمی و حکومت شمشیر بی‌منطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچک‌تر هم - مثل آنچه که در جزیره‌العرب بود - از آنها بدتر بودند و مجموعاً جاهلیتی دنیا را فرا گرفته بود.

در این میان، نور اسلام به وسیله‌ی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و با مدد الهی

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۸۳-۳۸۴؛ ذوب النضار، ص ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۵۶

و مبارزات عظیم و توان فرسای مردمی، توانست اول یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد بتدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فرا گیرد. وقتی پیامبر ﷺ از دنیا میرفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که میتوانست الگوی همه‌ی بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا میکرد، بدون تردید تاریخ عوض میشد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرن‌ها بعد از آن - در زمان ظهور امام زمان ﷺ در وضعیتی فعلی - پدید آید، در همان زمان پدید آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان ﷺ است، که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان ﷺ است که خدا میداند بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نائل خواهد شد.

بنابراین، اگر ادامه‌ی حکومت پیامبر ﷺ میسر میشد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض میشد، فرجام کار بشری مدتها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.

خصوصیت حکومت پیامبر ﷺ این بود که به جای ابتناء بر ظلم، ابتناء بر عدل داشت؛ به جای شرک و تفرقه‌ی فکری انسان، متکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود؛ به جای جهل، متکی بر علم و معرفت بود؛ به جای کینه‌ورزی انسانها با هم، متکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا میکند، انسانی باتقوا، پاک‌دامن، عالم، با بصیرت، فعال، پُرنشاط، متحرک و رو به کمال است.

با گذشت پنجاه سال، قضایا عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود؛ اما باطن، دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد؛ به جای برابری و برادری، تبعیض و دودستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد؛ به جای معرفت، جهل حاکم

شد. در این دوره‌ی پنجاه‌ساله، هر چه به طرف پایین می‌آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصل‌ها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید اینها را برای ذهنهای جوان و جوینده روشن کنند.

امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است؛ این دو ضدّ همنند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم، اما سلطنت یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ‌گونه علقه‌ی معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو، درست نقطه‌ی مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت یعنی یک سلطه‌ی مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم.

آنچه که ما در زمان قیام امام حسین علیه السلام می‌بینیم، دومی است، نه آن اولی؛ یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزکاری و پاک‌دامنی و پارسایی داشت، نه سابقه‌ی جهاد در راه خدا داشت، نه ذره‌ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار یک مؤمن، و نه گفتار او گفتار یک حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر صلی الله علیه و آله شباهت نداشت.^۱ در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی علیه السلام که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گیرد،^۲ فرصتی پیش آمد و قیام کرد.

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضدّ مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزّت است؛ برای این است

۱. أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۲۸۶-۲۸۸؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۷-۶۸؛ الأغانی، ج ۱۷،

ص ۱۹۲

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۵۶-۲۸۵

که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند. لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمدبن حنفیه - و در واقع در پیام به تاریخ - چنین گفت:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيراً وَلَا بَطِراً وَلَا مُفْسِداً وَلَا ظالِماً؛ من با تکبر، با غرور، از روی فخرفروشی، از روی میل به قدرت و تشنه‌ی قدرت بودن قیام نکردم؛ «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى»^۱؛ من میبینم که اوضاع در میان امت پیامبر ﷺ دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضدّ جهتی است که اسلام میخواست و پیامبر ﷺ آورده بود. قیام کردم برای اینکه با اینها مبارزه کنم.

✦ نتیجه‌ی قیام: حکومت یا شهادت

مبارزه‌ی امام حسین علیه السلام دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد؛ اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین علیه السلام بتواند بر حکومت یزید پیروز شود و قدرت را از چنگ کسانی که با زور بر سر مردم میکوبیدند و سرنوشت مردم را تباه میکردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت میگرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض میشد.

یک وجه دیگر، این بود که امام حسین علیه السلام نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را به دست بیاورد؛ آن وقت امام حسین علیه السلام در اینجا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیر قابل انقطاع در تاریخ به جریان می‌اندازد؛ و این کار را امام حسین علیه السلام کرد.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹: «جز این نیست که من به منظور اصلاح در میان امت جدّم خارج شدم.»

البته کسانی که دم از ایمان میزدند، اگر رفتاری غیر از آن داشتند که به امام حسین علیه السلام نشان دادند، شقّ اول پیش می‌آمد و امام حسین علیه السلام میتوانست دنیا و آخرت را در همان زمان اصلاح کند؛ اما کوتاهی کردند! البته بحث اینکه چرا و چطور کوتاهی کردند، از آن بحثهای بسیار طولانی و مرارت‌باری است که بنده در چند سال قبل از این تحت عنوان «خواص و عوام»^۱ آن را مقداری مطرح کردم - یعنی چه کسانی کوتاهی کردند، گناه و تقصیر به گردن چه کسانی بود، چطور کوتاهی کردند، کجا کوتاهی کردند - که من نمیخواهم آن حرفها را مجدداً بگویم. بنابراین، کوتاهی شد و به خاطر کوتاهی دیگران، مقصود اول حاصل نشد؛ اما مقصود دوم حاصل گردید. این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمیتواند آن را از امام حسین علیه السلام بگیرد؛ قدرت رفتن به میدان شهادت، دادن جان و دادن عزیزان؛ آن گذشت بزرگی که از بس عظیم است، هر عظمتی که دشمن داشته باشد، در مقابلش کوچک و محو میشود.

♦ درخشش روزافزون اباعبدالله علیه السلام ♦

و این خورشید درخشان، روزبه‌روز در دنیای اسلام به نورافشانی بیشتری میپردازد و بشریت را احاطه میکند. امروز بیش از پنج قرن و ده قرن پیش، حسین بن علی علیه السلام و شما، در دنیا شناخته شده است. امروز وضع به گونه‌ای است که متفکران و روشنفکران و آنهایی که بی‌غرضند، وقتی به تاریخ اسلام برمیخورند و ماجرای امام حسین علیه السلام را می‌بینند، احساس خضوع میکنند. آنهایی که از اسلام سر در نمی‌آورند، اما مفاهیم آزادی، عدالت، عزّت، اعتلاء و ارزشهای والای

۱. در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمدرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ۱۳۷۵/۳/۲۰ و خطبه‌های نماز جمعه

انسانی را میفهمند، با این دید نگاه میکنند و امام حسین علیه السلام، امام آنها در آزادی خواهی، در عدالت طلبی، در مبارزه با بدی ها و زشتی ها و در مبارزه با جهل و زبونی انسان است.

♦ جهل و زبونی؛ ریشه‌ی مشکلات امروز بشریت

امروز هم هر جایی که بشر در دنیا ضربه خورده است - چه ضربه‌ی سیاسی، چه ضربه‌ی نظامی و چه ضربه‌ی اقتصادی - اگر ریشه‌اش را کاوش کنید، یا در جهل است، یا در زبونی؛ یعنی یا نمیدانند و معرفت لازم را به آنچه که باید معرفت داشته باشند، ندارند؛ یا اینکه معرفت دارند، اما خود را ارزان فروخته‌اند؛ زبونی را خریده‌اند و حاضر به پستی و ذنات شده‌اند! امام سجّاد و امیرالمؤمنین علیه السلام - بنا بر آنچه که از آنها نقل شده - فرموده‌اند: «لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ مَمْنٌ إِلَّا الْحَيَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛ ای انسان! اگر بنا است هستی و هویت و موجودیت تو فروخته شود، فقط یک بها دارد و بس و آن بهشت الهی است. به هر چه کمتر از بهشت بفروشی، سرت کلاه رفته است. اگر همه‌ی دنیا را هم به قیمت قبول پستی و ذلت و زبونی روح به شما بدهند، جایز نیست.

همه‌ی کسانی که در اطراف دنیا، تسلیم زر و زور صاحبان زر و زور شده‌اند و این زبونی را قبول کرده‌اند - چه عالم، چه سیاستمدار، چه فعال سیاسی و اجتماعی و چه روشنفکر - به خاطر این است که ارزش خود را نشناختند و خود را فروختند. بسیاری از سیاستمداران دنیا خودشان را فروخته‌اند. عزّت، فقط این نیست که انسان روی تخت سلطنت یا ریاست بنشیند؛ گاهی یک نفر بر تخت سلطنت نشسته است، به هزاران نفر هم با تکبر فخرفروشی میکند و زور میگوید، اما در

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه‌ی ۴۵۶؛ تحف العقول، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳ و ۳۰۳

عین حال زبون و اسیر یک قدرت و یک مرکز دیگر است؛ اسیر تمایلات نفسانی خود است؛ که البته اسرای سیاسی امروز دنیا به این آخری نمیرسند، چون اسیر قدرتها و اسیر مراکزند!... امام حسین علیه السلام خواست این زبونی را از انسانها بگیرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل مردم مثل بندگان غذا میخورد و مثل بندگان می‌نشست؛ نه مثل اشراف‌زاده‌ها: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جُلُوسَ الْعَبْدِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله جزو فامیلهای اشراف‌زاده بود،^۲ اما رفتار او با مردم خود، رفتار متواضعانه‌ای بود؛ به آنها احترام میکرد؛ به آنها فخر و تعنّد نمی‌فروخت. اما اشاره و نگاه مبارکش بر تن امپراتوران آن روز عالم - در سالهای آخر عمرش - لرزه می‌انداخت. این عزّت است.

امامت یعنی دستگاهی که عزّت خدایی را برای مردم به وجود می‌آورد؛ علم و معرفت به مردم میدهد؛ رفق و مدارا را میان آنها ترویج میکند؛ اّبهت اسلام و مسلمین را در مقابل دشمن حفظ میکند. اما سلطنت و حکومت‌های جائزانه، نقطه‌ی مقابل آن است.

امروز در بسیاری از کشورهای دنیا، اسم زمامداران پادشاه نیست، اما در واقع پادشاهند؛ اسمشان سلطان نیست و ظواهر دموکراسی هم در آنها جاری است، اما در باطن، همان سلطنت است؛ یعنی رفتار تعنّدآمیز با مردم و رفتار ذلّت‌آمیز با هر قدرتی که بالاسر آنها باشد! حتّی شما می‌بینید که در یک کشور بزرگ و مقتدر، رؤسای سیاسی آنها باز به نوبه‌ی خود مقهور و اسیر دست صاحبان کمپانی‌ها، مراکز شبکه‌ای پنهان جهانی، مراکز مافیایی و مراکز صهیونیستی هستند. مجبورند طبق میل دل آنها حرف بزنند و موضع‌گیری کنند، برای اینکه آنها نرنجند. این سلطنت است. وقتی که در رأس، ذلّت و زبونی وجود داشت، در قاعده

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۵

۲. أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۶۴؛ الهدایة الکبری، ص ۱۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۳۴۴

و بدنه هم ذلّت و زبونی وجود خواهد داشت. امام حسین علیه السلام علیه این قیام کرد.

✦ معنویّت، عزّت و عبودیت مطلق در قیام حسینی

در رفتار امام حسین علیه السلام، از اوّلی که از مدینه حرکت کرد، تا مثل فردایی که در کربلا به شهادت رسید، همان معنویّت و عزّت و سرافرازی و در عین حال عبودیت و تسلیم مطلق در مقابل خدا محسوس است. در همه‌ی مراحل هم این طور است. آن روز که صدها نامه و شاید هزارها نامه با این مضمون برای او آوردند که ما شیعیان و مخلصان توایم و در کوفه و در عراق منتظرت هستیم،^۱ دچار غرور نشد. آنجا که سخنرانی کرد و فرمود: «خُطَّ المَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ القِلَادَةِ عَلَى جَبَدِ الفَتَاةِ»^۲، صحبت از مرگ کرد. نگفت چنان و چنین میکنیم. دشمنانش را تهدید و دوستانش را تطمیع به تقسیم مناصب کوفه نکرد. حرکت مسلمانانه همراه با معرفت، همراه با عبودیت و همراه با تواضع، آن وقتی است که همه‌ی دستها را به طرفش دراز کرده‌اند و نسبت به او اظهار ارادت میکنند.

آن روز هم که در کربلا همراه یک جمع کمتر از صد نفر،^۳ توسط سی هزار^۴ جمعیت از ارادل و اوباش محاصره شد و جانش را تهدید کردند، عزیزانش را تهدید کردند، زنها و حرمش را تهدید به اسارت کردند، ذره‌ای

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ الفتح، ج ۵، ص ۲۷-۲۹؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۶-۳۸؛

تذکرة الخواص، ص ۲۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۳-۳۳۴

۲. مثیر الأحران، ص ۲۹؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶؛ «مرگ،

قآلده‌ای است برگردن جمیع فرزندان آدم، همان طور که گردن‌بند برگردن دختران

است.»

۳. الفتح، ج ۵، ص ۱۰۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴

۴. الأمالی، صدوق، ص ۵۴۷؛ عمدة الطالب، ص ۱۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸

اضطراب در این مرد خدا و این بنده‌ی خدا و این عزیز اسلام مشاهده نشد.

آن راوی که حوادث روز عاشورا را نقل کرده و در کتابها دهن به دهن منتقل شده است، میگوید: «قَوْلَهُ مَا رَأَيْتُ مَكْشُورًا»؛ مکشور، یعنی کسی که امواج غم و اندوه بر سرش بریزد؛ بچه‌اش بمیرد، دوستانش نابود شوند، ثروتش از بین برود و همه‌ی امواج بلا به طرفش بیاید. راوی میگوید: من هیچ کس را در چهار موجه‌ی بلا مثل حسین بن علی علیه السلام محکم دل‌تر و استوارتر ندیدم؛ «أَرَبِطْ جَأشًا»^۲. در میدانهای گوناگون جنگها، در میدانهای اجتماعی، در میدان سیاست، انسان به آدمهای گوناگونی برخورد میکند؛ کسانی که دچار غمهای گوناگونند. راوی میگوید: هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه‌ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی علیه السلام، چهره‌ای شاد، مصمم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خدا داشته باشد. این همان عزت الهی است.

این جریان را امام حسین علیه السلام در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه‌ای مبارزه کند؛ جامعه‌ای که در آن پستی و جهالت و اسارت انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می‌آید و ممکن است...

❖ ثمره‌ی زنده نگه داشتن پیام عاشورا

اگر پیام امام حسین علیه السلام را زنده نگه می‌داریم، اگر نام امام حسین علیه السلام را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه‌ی عظیم انسانی در طول تاریخ میدانیم و بر آن ارج مینهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره‌ی امام

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۰

۲. همان

حسین علیه السلام را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران ان شاء الله خواهد رسید. نام امام حسین علیه السلام را خدا بزرگ کرده است و حادثه‌ی کربلا را در تاریخ نگه داشته است. اینکه می‌گوییم ما بزرگ نگه داریم، معنایش این نیست که ما این کار را می‌کنیم؛ نه، این حادثه بسی عظیم‌تر از آن است که حوادث گوناگون دنیا بتواند آن را کم‌رنگ کند و از بین ببرد.

✦ فلسفه‌ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام با ساز و برگ جنگ به کربلا نیامده بود. کسی که می‌خواهد به میدان جنگ برود، سرباز لازم دارد، اما امام حسین بن علی علیه السلام زنان و فرزندان خود را هم با خود آورده است.^۱ این به معنای آن است که اینجا باید حادثه‌ای اتفاق بیفتد که عواطف انسانها را در طول تاریخ همواره به خود متوجه کند، تا عظمت کار امام حسین علیه السلام معلوم شود. امام حسین علیه السلام میدانند که دشمن پست و رذل است؛ می‌بیند کسانی که به جنگ او آمده‌اند، عده‌ای جزو اراذل و اوباش کوفه‌اند که در مقابل یک پاداش کوچک و حقیر، حاضر شده‌اند به چنین جنایت بزرگی دست بزنند؛^۲ میدانند که بر سر زن و فرزند او چه خواهند آورد. امام حسین علیه السلام از اینها غافل نیست؛ اما در عین حال تسلیم نمیشود، از راه خود برنمی‌گردد، بر حرکت در این راه پافشاری میکند. پیدا است که این راه چقدر مهم است؛ این کار چقدر بزرگ است.^۳

۱. الأخبار الطوال، ص ۲۲۸؛ روضة الواعظین، ص ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶
۲. مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ تذکرة الخواص، ص ۲۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۹-۶۰
۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱/۲۶



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

كتابنامہ

١. الإحتجاج، الشيخ الطبرسى، دار النعمان للطباعة والنشر، النجف الأشرف، طبع ١٣٨٦هـ.ق - ١٩٦٦م.
٢. الإختصاص، الشيخ المفيد، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤هـ.ق - ١٩٩٣م، طبع الثانية.
٣. الإرشاد، الشيخ المفيد، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤هـ.ق - ١٩٩٣م، طبع الثانية.
٤. الإستيعاب، ابن عبد البر، دار الجيل، بيروت، ١٤١٢هـ.ق - ١٩٩٢م، طبع الأولى.
٥. الأخبار الطوال، الدينورى، دار إحياء الكتب العربى، القاهرة، ١٩٦٠م، طبع الأولى.
٦. الأعلام، خيرالدين الزركلى، دار العلم للملايين، بيروت، أيار، مايو ١٩٨٠، طبع الخامسة.
٧. الأغاني، ابوالفرج اصفهانى، دار احياء تراث عربى، بيروت، ١٤١٥هـ.ق، طبع الأولى.
٨. الأمالى، الشيخ الصدوق، مركز الطباعة والنشر فى مؤسسة البعثة، قم، ١٤١٧هـ.ق، طبع الأولى.
٩. الأمالى، الشيخ الطوسى، دار الثقافة، قم، ١٤١٤هـ.ق، طبع الأولى.
١٠. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ابوريحان بيرونى، مركز نشر ميراث مكتوب، تهران، ١٤٢٢هـ.ق، چاپ اول.

١١. التاريخ الكبير، البخارى، المكتبة الإسلامية، ديار بكر، تركيا.
١٢. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الهاشمى البصرى، دار الكتب العلمیة، بیروت، ١٤١٠هـ.ق - ١٩٩٠م، الطبعة الأولى.
١٣. العقد الفريد، ابن عبدربه اندلسى، دار الكتب العلمیة، بیروت، ١٤٠٤هـ.ق، الطبعة الأولى.
١٤. الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفى، دار الأضواء، بیروت، ١٤١١هـ.ق، الطبعة الأولى.
١٥. الكافى، الشيخ الكلینى، دار الكتب الإسلامية، طهران، ١٣٦٣ش، طبع الخامسة.
١٦. الكامل، عبدالله بن عدى، دار الفكر، بیروت، ١٤٠٩هـ.ق - ١٩٨٨م، طبع الثالثة.
١٧. اللهوف فى قتلى الطفوف، السيد ابن طاووس، أنوار الهدى، قم، ١٤١٧هـ.ق، طبع الأولى.
١٨. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقى، دار الكتب الإسلامية، طهران، ١٣٧٠هـ.ق - ١٣٣٠ش، طبع الأولى.
١٩. المعجم الكبير، الطبرانى، دار إحياء التراث العربى، طبع الثانية.
٢٠. المنتظم، أبوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد بن الجوزى، دار الكتب العلمیة، بیروت، ١٤١٢هـ.ق - ١٩٩٢م، طبع الأولى.
٢١. الهداية الكبرى، الحسين بن حمدان الخصيبى، مؤسسة البلاغ، بیروت، ١٤١١هـ.ق - ١٩٩١م، الطبع الرابعة.
٢٢. إختيار معرفة الرجال، الشيخ الطوسى، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم، ١٤٠٤هـ.ق.
٢٣. إعلام الورى بأعلام الهدى، الشيخ الطبرسى، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم المشرفة، ١٤١٧هـ.ق، طبع الأولى.
٢٤. إقبال الأعمال، السيد ابن طاووس، مكتب الإعلام الإسلامى، قم، ١٤١٤هـ.ق، طبع الأولى.
٢٥. أخبار الزينات، العلامة الجليل ابى الحسين يحيى بن الحسن بن جعفر الحجة بن عبیدالله الأعرج بن الحسين الأصغر بن الامام السجاد عليه السلام، نشر محمد جواد حسینی مرعشى نجفى.

٢٦. أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، دار الفكر، بيروت، ١٤١٧هـ. ق - ١٩٩٦م، طبع الأولى.
٢٧. بحار الأنوار، العلامة المجلسي، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣هـ. ق - ١٩٨٣م، طبع الثانية المصححة.
٢٨. بشارة المصطفى، محمد بن علي الطبري، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٢٠هـ. ق، طبع الأولى.
٢٩. بلاغات النساء، ابن طيفور، مكتبة بصيرتي، قم المقدسة.
٣٠. تاريخ الطبري، الطبري، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣هـ. ق - ١٩٨٣م، الطبعة الرابعة.
٣١. تاريخ اليعقوبي، اليعقوبي، دار صادر، بيروت.
٣٢. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٥هـ. ق.
٣٣. تحف العقول، ابن شعبة الحراني، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٠٤هـ. ق - ١٣٦٣ش، طبع الثانية.
٣٤. تذكرة الخواص، علامة سبط ابن جوزي، مؤسسة اهل بيت، بيروت، ١٤٠١هـ. ق.
٣٥. تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين، المحسن ابن كرامة، مركز الغدير للدراسات الإسلامية، ١٤٢٠هـ. ق - ٢٠٠٠م.
٣٦. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، دارالكتب الإسلامية، طهران، ١٣٦٤هـ. ش، الطبعة الثالثة.
٣٧. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، منشورات الشريف الرضي، قم، ١٣٦٨هـ. ش، الطبعة الثانية.
٣٨. جلاء العيون، العلامة المجلسي، ١٣٢٣هـ. ق، الطبعة الأولى.
٣٩. جواهر الأدب في أدبيات و إنشاء لغة العرب، احمد هاشمي، نشر مؤسسة المعارف، بيروت، لبنان.
٤٠. ديوان المتنبي، احمد بن حسين متنبي، دار بيروت، لبنان، ١٤٠٣-١٩٨٣.
٤١. ذوب النضار، ابن نما الحلبي، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، سؤال المكرم ١٤١٦ هـ. ق، الطبعة الأولى.

٤٢. رجال الطوسى، الشيخ الطوسى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤١٥هـ.ق، الطبعة الأولى.
٤٣. روضة الواعظين، الفتال النيسابورى، منشورات الشريف الرضى، قم.
٤٤. زينب الكبرى عليها السلام، الشيخ جعفر النقدى، انتشارات المكتبة الحيدرية، الطبعة الأولى.
٤٥. شرح الأخبار، القاضى نعمان المغربى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤١٤هـ.ق، الطبعة الثانية.
٤٦. صلة تاريخ الطبرى، القرطبى، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت.
٤٧. عمدة الطالب، ابن عنبة، منشورات المطبعة الحيدرية، النجف الأشرف، ١٣٨٠هـ.ق - ١٩٦١م، الطبعة الثانية.
٤٨. قاموس الرجال، العلامة محمّد تقى التستري، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤١٩هـ.ق، الطبعة الأولى.
٤٩. كامل الزيارات، جعفر بن محمّد بن قولويه، مؤسسه نشر الفقاهة، قم، ١٤١٧هـ.ق، الطبعة الأولى.
٥٠. كشف الغمة، ابن أبى الفتح الإربلى، دار الأضواء، بيروت، ١٤٠٥هـ.ق - ١٩٨٥م، الطبعة الثانية.
٥١. كمال الدين وتمام النعمة، الشيخ الصدوق، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٠٥هـ.ق - ١٣٦٣هـ.ش.
٥٢. مثير الأحزان، ابن نما الحلى، المطبعة الحيدرية، النجف الأشرف، ١٣٦٩هـ.ق - ١٩٥٠م.
٥٣. مجمع البيان، الشيخ الطبرسى، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤١٥هـ.ق - ١٩٩٥م، الطبعة الأولى.
٥٤. مروج الذهب و معادن الجوهر، أبو الحسن على بن الحسين بن على المسعودى، دار الهجرة، قم، ١٤٠٩هـ.ق، الطبعة الثانية.
٥٥. مسار الشيعة، الشيخ المفيد، دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤هـ.ق - ١٩٩٣م، الطبعة الثانية.
٥٦. مصباح المتهجد، الشيخ الطوسى، مؤسسه فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١هـ.ق - ١٩٩١م، الطبعة الأولى.

۵۷. معالی السبطين، شيخ محمدمهدى حائرى، الشريف الرضى، قم، ۱۴۱۹هـ.ق - ۱۳۷۷هـ.ش، الطبعة الأولى؛ ۱۹۹۰ م، الطبعة الأولى.
۵۸. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج على بن الحسين الأصفهانی، دار المعرفة، بيروت.
۵۹. مقتل الحسين عليه السلام، العلامة السيد عبدالرزاق المقرّم، آل على عليه السلام، قم، ۱۴۲۴هـ.ق - ۱۳۸۲ش، الطبعة الأولى.
۶۰. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، المكتبة الحيدريّة، النجف الأشرف، ۱۳۷۶هـ.ق - ۱۹۵۶م.
۶۱. نهج البلاغه، خطب الإمام على عليه السلام، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۲هـ.ق - ۱۳۷۰ش، الطبعة الأولى.



هدیه انتشارات انقلاب اسلامی
به زائران اربعین حسینی

